

§ مصصام ایان برنده بادا

ضرغام دین را دل زنده بادا *
(کاتاد از ایشان بدخواه در جاه)

(الحمد لله الحمد لله)

تو ستار خان را بادا ظنریار

تبریزیان را یزدان نکهدار *

تو سالدان را نیکو بود کار

احرار را نیز دل باد بیدار *

(تا جبه گویند با جان آگاه)

(الحمد لله الحمد لله)

(ملك الشعرا بهار)

مکتوب بوشهر

در شماره (۵) ۱۵ رجب سال ۱۳۲۷ - هفدهم
آگست ۱۹۰۹ ذکر شده بود که هر کس اطلاع
در مشاهه منتقد تومان و کتبی که از کرک برای
بهمزدن فیما بن تجار و آقا سید مرتضی امرمی
دارد بنویسد اگر نخواهد اسم او را هم ذکر نخواهیم
کرد ، این بنده اطلاع کامل دارم و از هیچکس هم
ترس ندارم ، اگرچه بواسطه رک گونی صدمات زیاد
خورده ام ولی باز هم میگویم و اسم مرا هم ذکر
فرمائید ، وقتیکه آقا سید مرتضی دوائر دواتی و
کرک را تصرف کرد خود بنده بر حسب احضار
ایشان با اجزاء کرک حضور داشتم اول حرفی که
شد این بود که رئیس بلژیک را باید تغییر داد و
بجای اوند از اینکه در ماملات چک و غیره با بانک
اشکالات خواهند داشت چون بانک و سایر دوائر
قانونی کسرا بریاست نمیشناسند که رئیس قبل او را
معرفی نه کرده باشد که فلان بجای من رئیس است
و کتباً نه نوشته باشد

باری بنده از چند روز بواسطه همین اشکالات
مجبور شدند که رئیس بلژیکی (موسوم به میو
زوین را) با بعضی شرایط که صلاح بود قبول
کنند ، یکی از شرایط عمده این بود که پول
بظهران نرود که تمامش گلوله و باروت شده بجان
برادران ما بخورد ، باری چند مرتبه سید اطهار
داشت که یکی از تجار باید پول کرک را ضبط
نماید تا تکلیف همه بلاد من شود تمام تجار معتبر
حاضر بودند از هیچکس صدا بیرون نیامد بد از
استاد بانه که از معتبر فرمود (صسته سینه

درد دارم) و ممکن ندارم عمل پول کرک را بعبده
بگیرم ، هرکس بیک عذری قبول نکرد مگر جناب
حاجی میرزا غلامحسین تاجر کازرونی وکیل حشیدیان
قبول کرد ولی آنهم انجام نیافت ، روز بعد تحویل دار
کرک را دیدم که پول در دست داشت و میگفت
نمیدانم واردات کرکی امروز را بکه بدم و بواسطه
انتقشاش شهرم جرئت نمی کنم در منزل نگاه بدارم ،
و همان قسم روز دیگر هم باز تحویلدار را نزدیک
غروب دیدم و گفت نمیدانم تکلیفم چیست هیچیک
از تجار پول را قبول نمی کنند ،

عاقبت پول بی پیر را بودند نزد سید البته
ایشان هم خرج داشتند و عدد کثیری تنگستانی را
میباستی نگاه داری کنند در صورتیکه هیچکس هم
قبول نکرده است قبول نمود نظر بوضع احوال عدد
تنگستانی زیاد شد و رفته رفته اقتدار سید زیاد
گردید . بعضی بخمال اوفتادند مبدا خطری برآی
آنها روی دهم یا خیال دیگری کردند نمیدانم محرمانه
مجلس شد ، و از آن قسمائیکه میدانید حی در طهران
یاد کردند و بعد توپ کشیدند روی مجلس و مجلسیان
در میان آمد ، بیج شش فر از رؤسای تنگستانی را
هم با خودم قسم کردید ، بالاخره بپرق فاق افراشته
شد این بنده با مشهدی علی نام امرمی که یکی از
دوستان حقیقی سید مرتضی بود بدیدن سید رفیق ،
خیرخواهانه صحبتیکه شد این بود که آقا جان بنده در
طهران بوم خودم دیدم که شب جشن سال دوم
مشرطیت درشکه آقا سید عداالله و آقا سید محمد
را روی دست با صلوات وارد کردند و بعد همان
اشخاص با آن همه خدمات بسر آن بچارگان آوردند
آنچه آوردند شا هم عاقبت خود را دیده حرکت
نماید ، ظاهراً سید مات و متحیر بود چه بکند میگفت
مرا و داشتند باین کار و الحال خودش ان مخالت
میکنند و جمعیتی هم ناحور بدور سید بودند حریشان
این بود که آقا پول را از دست مده تمام با شما
دشمن هستند و دنیا هرار رو دارد [زر میتوان
لشکر آراستن]

دانایان رموز پلتیک میدانند که خطای عظیم
- بد این بود که میگفت من حاضرم پول
را نزد قونسل آلمان بگذارم و حساب بدم ولی
حیی از اقتدار سید دانستگ بودند و میخواستند

سواد از آن برداشته زیاده جسارت است

(مترجم السلطنه)

جبل‌المتین

عن صورت مصارفی را که کربلائی محمود بگمرک داده نیز با اداره رسیده اگر آن صورت صحیح است تمام اعتشاشات و انقلابات را در بوشهر او ذمه دار است و اگر دروغ صورت داده باید وجه را بگمرک باز دهد

اما آنچه بر اداره جبل‌المتین مبرهن گردیده بدو سید مرتضی با خلوص نیت اقدام کرد و سپس که اختلاف در میان آمد و اطراف‌های سید هم چشمشان بروشنائی یعنی پول بی پر کمرک افتاد خیاشان مشوب گردید ولی با این همه هرگز او را متوجّب آن صدمات و خنث و خواری که از سرباز و تویچی باو وارد شد نمیدانیم چه در نظر ارباب غیرت آنگونه خنث و خواری بالاتر از قتل است

در اینجا از بیان يك نکته هم خودداری نمیکنیم که هر چه بر سر سید آمد از پلتیک ناشناس خودش بود ، سید بخيال خام خویش خواست آلمان را شاخ خود قرار دهد ، آلمانیها هم از دیربار سعی اند که يك بهانه نفوذی در خلیج فارس پیدا نمایند ، مسلم است که انگلیسها هم بر این امر هرگز رضا نتوانند داد ، این بود که انگلیسها هم قلع و قمع سید را از بوشهر و خلیج فارس مصمم شدند ، تمام این واقعات از عدم رضایت انگلیسان از سید پیش آمد ، نهایت چون ما عقل پلتیک فهمی نداریم مصدر این افعال را قوی و قوی می دانیم و اگر سید باین خیال حام یعنی سازش با آلمان نمی اوتناد انگلیسها مخالف با وی میشدند چنانچه با هیچ يك از رؤسای مشروطیین تا کنون مخالفت نوزیدند و قشون بحری هم پیاده نمیگردند یعنی این اتفاقات پیش نمی آمد و سید هم دوچار این بلیات نمی شد

بعقیده ما این خیال سید یعنی سازش با آلمانیها منتهی درجه مضار سیاسی را برای ایران داشت خصوصاً درین موقع انقلاب - این بود که در همان ایام سید را شدیداً ازین خیالات ضرر بخش مینمایند و سید هم ازین خیالات باز آمد ولی در وقت

سید را خراب کنند سید هم زیر بار نمی رفت ، بیا ایم بمطلب اصلی - بواسطه اغتشاش بلد عامه اهالی ورود جناب دریابگی را فوزعظیم میدادستند وبدون استثناء همه مایل بودند ، کربلائی محمود ملقب به منصور دیوان خیلی خوش وقت و متصل در تك ودو بود ، روزی بدیدن رئیس گمرک رفته و اظهار داشت که پول ندارم بجناب دریابگی تلگراف کنم که مردم از ورود شما خوشوقت هستند بلکه بزودی خود شانرا برس-انند از طرف دیگر حکمران در محف و کربلا ماده و راه بصره بواسطه اعتشاش اعراب مسدود بود ، کربلائی محمود حتی گنت میخواستیم اسباب بابک شاهنشاهی بگذارم برای پول قبول نکرد رئیس گمرک این مسئله را تلگراف کرد جواب از وزراء مشول آمد برای سهولت ورود دریابگی پول بدهد ، منصور دیوان مبلنی برای تلگراف گرفت و تلگراف اول را برای رئیس گمرک بنده ترجمه کردم و بعد منصور دیوان آمده و بدین اسم پول خواست که چون راه مسدود است میخواهم يك کشتی بادی فرستم با آذوقه جلو دریابگی که از راه سهاوات بیاید باین ترتیبات پول از گمرک گرفت رئیس گمرک حدید (میولولو) از محره وارد شد و (میوزوین) به محره رفت ، کربلائی محمود باز مبلنی پول خواست رئیس جدید گنت شما باید صورت صحیح از مخارجیکه کرده اید برای من بیاورید تا باقی حساب شما را به پردازم باین صورت مفصلی نوشت و داد ، این را هم باید دانست که گمان نمیکرد مشروطه قائم شود چون پول گرفته بود ناچار شد این قسم صورت را بنویسد ، و همان صورت را به (میولولو) رئیس جدید گمرک داد و او به بنده داده ترجمه کردم ،

مختصر از مفصل اینکه هر اتفاقی که در بوشهر افتاده بود این-ان نوشته بودند فلان مبلغ دادم برای اینکه این کار بشود ، مبلغ هم هتصد تومان به بود کابتناً باصد و هتتاد الی هتتاد تومان میشود ، این اطلاع بده بود کربلائی محمود باین تدبیر این مبلغ را از گمرک گرفت ، حالا اگر رفیق دیگری هم داشتند خدا عالم است ، روزی رئیس گمرک این

سید در قلوب انگلیسان جای نموده بود ، فرض این است که سید زمین خورده آن خیال خام خویش است و انگلیسان او را زمین زدند نهایت بدست ابناء جنس خودش ، لطف این است که نه زنده دانستند از کجا میزند و نه سید قهقید از کجا می خورد

﴿ صورت خطی است که از شعبه انجمن ﴾
(مدینه مرکزی از طهران بصوات الدوله)
(در شیراز فرستاده شد)

خداوند آگاه است و اوضاع کنونی ایران بهترین گواه که هر کس راه خرابی ببرد و حرف ویران گوید دست هیئت مقدس با يك قوت خدا داد که فقط مخصوص حیات بشر و اعوان اسابت و انصار عالم اسلامیند با يك حربه مخصوص و آلت مخصوص که نیز اختصاصش باین هیئت بخوی خاص است برای آسودگی نوع و رفاه عموم بطرزی معلوم بالای سرش بلند است و استقامت و پایداری اعضا در اجرای این مشروع مقدس بالاتر از البرز و الوند اکنون که توحه اعضای هیئت از مرکز مملکت به بلاد جزء متوحه شده و کار عمده و شغل مهم خود را در قلب مملکت بیاری حضرت بیده الله عجل الله فرجه و اعانت جوانان دایر ایران با محام رسانید در فارس بمخامالی شخصاً خطاب کرده میگوئیم ار اول اسر تا کنون آنچه بتوسط اعضای مقدس خود مان تورا محرك شدیم و بیاری ملت دعوت کردیم همه را به پلتیک دو رویه گذراییدی و ادا اعتدائی نکردی و بحرف آن پیر معلوم « آصف بدتر از دیو » که عنقریب بدست اعضای هیئت که آلت انتقام خدایند سزای خود خواهد رسید گوش دادی و ساکت نشستی و مشغول مدخول شدی اکنون که کار تمام و تحصیل مرام شد بناگاه از کین بیرون آمده بعنوان ملت خواهی بنسای امتشاش گذاشتی ، ولی افسوس که تمام اغراض در آینه جهان نمای هیئت مقدس معلوم و حرفها و خلمها و خطوط و قبوض و مطالب کاندهای آصف بمخامالی و مخامالی باو تمام در دفتر اعمال اعیان مملکت که از دفترهای مخصوص دیتت مقدس است ثبت و ضبط است ، اکنون این نامه را بتوسط حضرت مستطاب علم الاعلام ثوث الانام تقة الاسلام

والمسلمین ابوالاحرار آقای حاجی آقا مجتهد شیرازی دام ظلّه که رکن رکن اعظم و عضو اعلم هیئت مقدس است بنام جنابعالی فرستادیم ، و پس از این منتظر اعلام آن حضرت از حرکات و افعال شما هستیم ، و بدانید که با آنچه امتحانات که از آن حضرت در مقام نوع دوستی و بی غرضی دیده ایم يك سر مو از معلومات و احکام او تخلف نخواهیم نمود ، اکنون دست کار کن ما در شرق و غرب عالم اسلامی مشغول بکار است ، و چشم اعضای مقدس از هر جهت بیدار (فاعتبروا یا اولی الابصار)

(شعبه هیئت مقدسه اتحاد مرکزی)

﴿ ایضاً - صورت خطی است که از شعبه ﴾

(انجمن مدینه مرکزی از طهران به نصرالدوله)
(در شیراز فرستاده شده)

خداوند آگاه است و اوضاع کنونی ایران بهترین گواه که هر کس راه خرابی ببرد و حرف ویرانی گوید دست هیئت مقدس با يك قوت خدا داد که فقط مخصوص حیات بشر و اعوان اسابت و انصار عالم اسلامیند با يك حربه مخصوص و آلت مخصوص که نیز اختصاصش باین هیئت بخوی خاص است برای آسودگی نوع و رفاه عموم بطرزی معلوم بالای سرش بلند است و استقامت و پایداری اعضا در اجرای این مشروع مقدس بالاتر از البرز و الوند اکنون که توحه اعضای هیئت از مرکز مملکت به بلاد جزء متوحه شده و کار عمده و شغل مهم خود را در قلب مملکت بیاری حضرت بیده الله عجل الله فرجه و اعانت جوانان دایر ایران با محام رسانید در فارس بمخامالی شخصاً خطاب کرده میگوئیم حرکات ما همتجارو اقبال شریراة حضرتت را افراد هیئت نکته به نکته مو به مو معلوم و مشخص است و راپورت حرکات شباه و روزاهات در دفتر اعمال اعیان مملکت ثبت و مصبوط است ، اعوان و کارکنان آن مجمع مقدس یعنی حاشیه نشینان ساط مطهر آنجناب را يك بيك با اسباب معلوم و القاب مذموم می شناسیم ، محبتهای محرمانه ما جنرال روس همان طرزهای مخصوص که عادت امتا شما متملعان ایرانی است « یعنی مملکت فروشان داخل السب » همه را خبرداریم ولی بتوجه عالم سوگند سخت قافیه را

باخته و خود را بآتش انداخته به جزال قوسل روس هم تویق رفیع را نشان ده تا بداند که امثال شما مقلق اجنب از رجال ایران نیستید از رجاله اید و در مقام انتقام و محکمه عدالت شخص (نیگلا) را حد آن نیست که محکوم قانون را حایت کند و حق ثابت را معدوم سازد چه رسد بدیگران و فعلاً این اعلام و بیان نامه را بتوسط حضرت مستطاب علم الاعلام غوث الانام ثقة الاسلام والسلمین ابوالاحرار آقای حاجی آقا مجتهد شیرازی دام طله که رکن رکین اعظم و عضو اعلم هیئت مقدس است بنام جناب عالی فرستادیم و پس از این منتظر اعلام آنحضرت از حرکات و افعال شما هستیم و بدانید که ما آنچه امتحانات که از آن حضرت در مقام نوع دوستی و بی غرضی دیده ایم یک سرمو از معلومات و احکام او تخلف نخواهیم نمود اکنون دست کارکن ما در شرق و غرب عالم اسلامی مشغول بکار است و چشم اعصای مقدس از هر جهت بیدار (فاعتبروا یا اولی الابصار)

حبل المتین

امروز کار از آن گذشته که کسی باشباه کاری بتواند حرکات و سکنات خود را بتسمهای دیگر جلوه دهد نظر بر اینکه در زمان مشروطیت جناب صولت الدوله اطهار همراهی می نمود در عود استبداد نظر عام و خاص بجناب ایشان معطوف گردید چنانچه از هر جا و هر کس خطوط و تلگرافات عدیده بایشان شد و ما خود مطلعیم که حضرات آیات الله نجف اشرف توقیعات عدیده برای او فرستادند و هم قسم از انجمن سعادت اسلامبول، و تلگرافی را که بعد از فتح اصفهان جناب ضرغام السلطنه بایشان نموده همان ایام اشاع دادیم و اداره حبل المتین هم کتر هفته بود که معزی الیه ایشان را آرام بگذارد ولی ایشان مانند کوه از جای خود نجیبند، گویا هیچ شایسته باشد که بعد از انجام تمام امور احکام سابقه حضرات آیات الله را مستمسک نموده بجرکاتیکه موجب هرج و مرج مملکت و دخالت اجاب باشد اقدام نماید، حکم محکم حضرات آیات الله نجف اشرف که در چهاردهم رجب تلگرافاً بجمیع بلاد مخابره گردید برای آرام گرفتن جناب صولت الدوله گویا کان باشد، خوب است جناب صولت الدوله ما قدر

نیک نامی که ایشان حامی استبداد گفته نمی شوند قناعت فرمایند چنانچه در اصلاح کارها اقدام نکرده اند در خرابیهم قدم نزنند

امروز هر که باشد و از هر جا باشد که در هرج و مرج مملکت کوشش نماید در تاریخ ملی ایران خصم وطن و در نزد مسلمین دشمن اسلام گفته خواهد شد و با امیر بهادر و رحیم خان و میرهاشم و غیره در یک قطار شمرده خواهند آمد و ما با آواز بلند میگوییم امروز خیرخواه ایران کسی شناخته خواهد شد که در امنیت مملکت بکوشد و دشمن اسلام کسی گفته خواهد آمد که در هرج و مرج این مملکت اسلامی اقدام کند چه امروز استقلال ایران بموئی بند است و قاطع این موی همانا هرج و مرج مملکت میباشد

قابل توجه اولیای امور جمهور

برای اینکه ازین و بعد رجال دولت علیه در خدمت و حدود مستخدمین از اجانب ملتفت باشند دو نظیر بسیار عمده و شامد حسی مدنظر است - یکی مضرات مالی و خسارات تجرقی و زیانهای استقلالیه که سیو (نوز) بلژیک بایران وارد آورد - خرابکاریهای سیو (نوز) چیزی نیست که تشریح لازم داشته باشد - سبب آن همه خرابکاری (نوز) این بود که او را برای مدبرکرکات آوردیم خود مختار ساختیم چند وزارت باو واگذاریم نه سیاسی برای او نه تقنینی درکار، این بود که ایران را خراب کرد و خود را آباد، اقتدار و نفوذ روس در ایران از تدابیر (نوز) تا این درجه کسب اهیت نمود، هرگاه (نوز) را بهمان کاری که آورده بودیم بانگرانی تمام و تحت امر وزیر مالیه میداشتیم بعوض آنچه مضرتیست که از (نوز) حاصل نمودیم ممکن بود نفع به بریم

دوم بالکونیک است که یک سرهنک بود که برای تعلیم جمعی از ایرانیان باسم قزاق از روسیه بایران آوردیم بجای آنکه تحت امر وزیر جنگ گذاریم خود مختارش ساخته باندازه که ابداً اعتنا بوزیر جنگ نمی نمود تا عاقبت هم دیدیم که چگونه در سلب استقلال ایران کوشید، تا جائیکه بعد از انهدام مجلس مقدس ملی که کعبه آمل ایرانیان بود حاکم نظامی طهران بلکه سمت نایب السلطنه که محمدعلی میرزا

را هم باو دادند ، از حقیقت مقاصد لیاکوف
اگر بنخواهیم آگاه شویم باید کمال دقت را در ملاحظه
رپورت‌های او که اداره حربیه قفقاز داده به ما ایم ،
این رپورت‌ها در غالب جرائد معتبره اروپا بطبع رسیده
و ما منتظر بودیم که موقی نیکو بدست آید ، یعنی
گوش سخن شنوی پیدا شود تا درج در نامه مقدس
ما ایم - الحمد لله امروز آن موقع رسیده که برده
از روی اینگونه اسرار برداشته شود

ترجمه رپورت‌های مزبور بترار ذیل است

ترجمه راپورت لیاکوف

(بمقام ریاست حربیه قفقاز بدیر ارکان حرب)

محرمانه - راپورت نمره (۵۹)

جناب جلال‌آبا در بیست ششم مه (روسی)
هشتم ژوئن فرنگی اعلیحضرت مرا با ترجمان اول
سفارت بیاع شاه دعوت کرد و با تئریات دوستانه
موافقت خود را بتکلیف سابق ما که بش عرض
کردم بشرط تدبیری که تخلص گریبان از اعتراض
دول اورپ بجهت تبدیل کردن حکومت مشروطه
باستبداد قدیمی ممکن باشد بیان کرد و منضماً بموافقت
خود که خواهشش این است که هر قدر ممکن
اسب خون ریزی کمتر باشد ، ولی من مابین خواهش
او حسارت کرده در جواب گفتم که خونریزی
در این جنگ مجبوری و ضروری است

چون از باع شاه برگشتیم من و ترجمان مذکور
همان شب در سفارت ترتیبی بجهت معامله آینده با
آشیانه دزدان که در این شهر باطنه عظیم پارتیت
نامهیده میشود معین نمودیم ، در این ترتیب که یک
اساسی است از برای اجرای کارهای آتیه ، اول
قراریکه داده شد این بود که تادم آخر باید مجلس
و طرفداران او را بکلی غافل کرده و بسفارات نیز
باید گذاشت چیزی معلوم شود تا یک دفعه کار را
بمخالفت کشاده و با استعمال قوه مرتبه عمده
آشیانه دزدان و رشوه خواران را خراب و حامیان
اشرا که متاومت و ممانعت کنند بکشیم و آنها را هم
که زنده ماندند در عدایه محکوم و با جزایهای بسیار
سخت مجازات دهیم

چون حال تمام مامورین و شاه در دست است
که همیشه بر هر کاری اعم از اینکه خوب باشد یا بد
میانجی و عیب جوئی کرده و بان جهت تمام کارها

را تا تمام میگذارند لازم دیدیم که جد از اینکه
ترتیبی را که معین کرده ایم قبول شد از طرف
شاه بخود من آزادی نامه داده شود در اجرای
کار چنانچه مجبور نباشم که امر احدی را در این
کار قبول کنم ولو از هر که صادر شده باشد تا
اینکه کار بکلی تمام شود اگرچه از او امر سابق
و تطبیق جناب جلال‌آبا عالی داده اید موقع و حدود
قوت بنده کاملاً معلوم است ولی باز جسارت کرده
استدعا میکنم که حدودات مداخله بنده را در این
کار که در دست دایم غیر از خدمات سری که هر
موقع بکار خواهم برد معین فرمائید وقتیکه ترتیبات
کار را که معین کرده ایم از طرف سفیر و شاه
تصدیق شد صورت او را بدون تاخیر بجناب جلال‌آبا عالی
مبفرستم منتظر او امر عالی نمم مه (روسی)
(نمم ژوئن فرنگی) ۱۹۰۸ طهران (کرنل لیاکوف)

ایضاً راپورت‌نانی

(بمقام ریاست حربیه قفقاز)

(بدیر ارکان حرب)

(محرمانه . . . راپورت نمره (۶۰))

جناب جلال‌آبا ترتیباتی را که از طرف بنده
و ترجمان اول سفارت معین شده بود بعد از آنکه
سفیر با پترسبرگ مخاره کرد و از پترسبرگ هم با
تبدیلات خیلی مختصر تقریباً بدون اینکه اعتراض بکند
صلاح دیدند قبول کرد اما شاه مانند یک ایرانی
تردد بسیاری کرد میترسید از اینکه خونریزی
خواهد شد با کرد بعضی تصورات بجا کردن یعنی
صلح و غیره ، چون این را دیدیم مجبور شدیم که
وسيله قطعی و آخری خود را بکار ببریم گفتم که
این ترتیبات از طرف دولت روسیه قبول و بهترین
ترتیبات حال حاضر ملاحظه شده اسب اگر شما قبول
نکنید دولت روسیه دیگر هیچوجه ار شما حمایت
نخواهد کرد و هرچه هم بعد از این بشا واقع بشود
خود را مشول نخواهد داسب وسيله قطعی ما بسیار
مهم و مسئله مؤثر بود ، شاه بالطبع و بدون تاخیر
قبول کرد و آزادی کامل نیز بجهت اتمام و اجرای
کار داد مواد اساسی این ترتیبات بترار ذیل است

(۱) با پولیکه از طرف سفارت و شاه داده
خواهد شد رشوت دادن بکلای مهم مجلس و وزراء
که در جلسه آخر توپیه را که بایشان داده خواهد

شد قبول و بر وقتش عمل کنند

(۲) تا دقیقه آخر یعنی حاضر شدن کلیه ترتیبات بصورت دوستانه با مجلس رفتار نمودن و چنین وانمود کردن که شاه میخواهد با مجلس صلح کند و همچنین داخل مکالمه صلح شدن شاه با مجلس

(۳) سی کردن با رشوت یا وسائل دیگر بجهت خارج کردن مردمان مسلح از مجلس و مسجد و انجمنهای نزدیک

(۴) اقدامات کردن که رؤسای انجمنها را با رشوت وغیره با خود طرفدار نموده تا در روز موعود اعضای انجمن خود را در انجمن نگاهداشته و بگذارند بیرون بروند

(۵) یکروز پیش یا در روز اجرای کارفرستادن قزاقها با تبدیل قیافت بمجلس و مسجد تا از آنجا بیرون شلیک نموده هم بهانه برای هجوم و خراب کردن مجلس بدست بدهند و هم کسانی را که در مجلس و مسجد مقاومت خواهند کرد بکشند

(۶) کمال دقت و جهد کردن برای اینکه مبادا کسی بسفارات دول اروپا خاصه انگلیس داخل شود (۷) وقتیکه تمام ترتیبات حاضر شد در یکروز معینی مجلس و اطراف او را با قزاق بریکاد و توب محاصره کردن و خراب کردن و کشتن کسانی را که در مقابل مقاومت کنند

(۸) تسلیم کردن خاهای رؤسای مشروطه خواهان و وکلاء و طرفداران مجلس را بعد از تخریب مجلس بسرباز و عوام ناس که غارت کنند (۹) گرفتار کردن رؤسای مشروطه خواهان و وکلا و طرفداران مجلس را و بدار زدن و قتل کردن آنها بطر باهمین موقع و شخصی ایشان

(۱۰) بجهت آسوده کردن خیال جمهور و دول اروپا اعلان کردن که مجلس دوباره باز خواهد شد . . . شاه مواظقت خود را باین ترتیبات بیان کرد و گفت بهتر است که سرباز و سوار ایرانی هم در این کار شرکت کنند ولی بنده بملاحظه اینکه این وقت برای بریکاد قزاق بهترین اوقات است که وظیفه حقیقی خود را از پیش برده و رسوخ کامله خود را در حیات سیاسی ایران محکم و اجرای خیالات آتیه را آسان تر کند قطعاً و مصراً رد کردم اما در خصوص مداخله شخصه و فعل بنده در

روز بومباردمان (توب بستن) سیر راضی نمیشد و میترسید که دول سایره اعتراض کنند ولی من امر جناب جلالآبعلی را در نظر داشتم بملاحظه اینکه کار را بدست افسرهای ایرانی ندیم (اگرچه افسرهای ایرانی قزاقخانه صداقت خانصانه بروسیه داوند ولی هر چه باشد باز هم ایرانیند ممکن است که در وقت اجرای کار حسابات ملی آنها را مانع شده و کار را بکلی خراب کنند) بمداخله شخصی و فعلی خود قرار دادم . من جناب جلالآبعلی را امنیت کامله میدهم که در بریکاد قزاقخانه که در دست من است افسر و غیر افسر اقدام و صداقت مخصوص بجهت کار دارند در صورتیکه مایه ازخارج ظهور نکنند موفقیت کار را مستولم ، منتظر او امر عالی ۳۱ مه (روسی) (۱۲ ژوئن فرنگی) ۱۹۰۸

طهران (کرنل لباکوف)

✦ ایضاً راپورت سیم ✦

(بمقام ریاست حریه قنقاز)

(بمذیر ارکان حرب)

(محرمانه . . . راپورت نمره (۶۲))

جناب جلالآبعلی در خصوص سؤال جناب جلالآبعلی در حق معامله قزاقها در حنب سنارت انگلیس و مانع شدن ایشان که کسی بسنارت اتحا نمیکند بنده شرف دارم که تفصیل ذیل را عرض کنم - از راپورتیکه سابق دادم جناب جلالآبعلی عالی مسبقید که قرار داده شده بود که تمام سفارات در روز اجرای کار محاصره شوند که کسی نتواند داخل شده و اتجا کند ، اما بجهت مواظبت مخصوصیکه در حق سنارت انگلیس شده است جهت این است که در پنجم ژوئن (روسی) هجدهم ژوئن (فرنگی) سیر از سنارت مرا بتذنون دعوت کرد و گفت نظر باطلاعاتیکه بایشان رسیده سنارت انگلیس بوئی از کار برده و میداند که چه واقع خواهد شد و قرار داده است کسانی را که پناه میبرند قبول و حمایت کرده تا موفقیت ما را ناقص و ضعیف کند و باین جهت سیر به بنده امر کرد که سنارت انگلیس را بیشتر مواظبت کنم

اما درخصوص اینکه سفیر به بنده گفت (چنانچه راپورت دادم) که عوض محاصره کردن سفارت انگلند . . . متر بود که دکاکین و خطهای آتیه روسیه

را که در اطراف سارت انگلیسند محاصره کنیم تا مانع دخول مردم بسارت انگلیس شود در وقت قرار دادن ترتیبات جنین فکری بنظر نیامد من اعتراف میکنم که این ترتیب بهتر و عاقلانه تر بود زیرا هم مردم را از دخول بسارت مانع میشد و هم سفارت را از حق پروتست کردن محروم میکرد ما این ترتیب را در آن وقت تثبیت نکردیم به جهت اینکه بنده این ترتیب را نمی پسندیدم بلکه جهت اینکه در این موقع باریک که ما ترتیبات میدادیم این ترتیب بفرماندهی یکس نیامد شرف دارم از اینکه صورت اسباب افسرانی را که در زمان اجرای کار ما خدمات شایان خودشان را از سایرین ممتاز کرده اند و سده ایشان را لایق میدانم که باشان دولت روسیه مکافات شوند تقدیم خدمت کنیم

منتظر او امر عالی کولونل . و . لیاخوف

۱۲ ژوئن (روسی) ۲۰ ژوئن فرنگی ۱۹۰۸
طهران

(ایضاً راپورت چهارم)

محرمانه . . . راپورت برکر (۶۲)

حاج حلات مابا تلگراف عالی را در حضور افسره ای که در راه روسیه و اجرای خیالات او حاضرین و جن خود را فدا کنند در خصوص اینکه اعلیحضرت امپراطور مناسب دیده اند که در تلگرافیکه جناب فحامت سباب سردار قفقازیه که در خصوص خدمت گذاری بریکاد و قزاق در تخریب مجلس باعلیحضرت امپراطور کرده بودند با دستخط خودشان مرقوم فرمایند که (آفرین قزاقها) (تشکر بافسران شجاع) خواندم تمام ایشان غرق مسرتی شدند که تعریفش خارج از امکان است و چنان صدای خود را بزنده باد بلند کردند که تا مدتی دراز عکس صدای زنده باد آنها مسوع بود شدت مسرت افسرها را بیان کردن ناممکن است افسرها متفقاً قرار دادند که بنده از جناب جلالتعالی خواهش کنیم که از جناب فحامت سباب سردار قفقازیه خواهش کنید که حییات صادقانه و مخلصانه افسران را بملاوه اینکه حاضرند سرهای خود را در راه اوامر تاجدار روسیه عظمی و تمام مسرت خود را برای انجام فرامین امپراطور اعظم خودشان فدا کنند عرض نمایند - متشکر الطاف

اعلیحضرت امپراطور اعظم کرنل . و . لیاکوف ۱۰ ژوئن (روسی) (۲۸ ژوئن فرنگی) ۱۹۰۸ طهران راپورت های فوق را که بخط خود لیاکوف نوشته شده و عیناً موجودند مسیو پانوف بلغاری که در این اواخر در محاربه ما بین مئروطه طلبان و مستبدین در آستراباد شریک راه حریت ایران شد و اینک بحرم ایران خواهی در تفلیس محبوس است بیک دوست انگلیسی خود در پترسبرگ فرستاده و او عیناً از روسی بانگلیسی ترجمه نموده و بیک دوست محترم و معظم من که حقوق پیشار در گردن ایران و ایرانیان دارد فرستاده بود محض اینکه هموطنان عزیز و محترم بخوانند و از خیانت های لیاکوف و ذفلهای دولتهای جلوگیری نمایند عیناً بفارسی ترجمه کردم شیخ حس تبریزی کبرخ ۳ مه ۱۹۰۹ میلادی

حبل المثنی

باید داشت هر یک از اروپائیان را مستخدم و سرخودشان گذاریم برای ما (نوز و لیاکوف) خواهند گردید و درین هم شک نیست که ایران محتاج بحجاب مستخدمین از خارجه میباشد دفع مصار آنان منحصراً درین است هر که را برای خدمت هر اداره می آوریم جز تعلیم کاری مستقل ما و رجوع نخایم و زبردست باشد نخودسر ، فرمان بردار باشد نه فرمان ده ، در هیچ جای دنیا ملازمین خارجه مانند ایران مالک رقاب نمی شوند و در هیچ نقطه مستخدمین خارجی باین پایه هم اوقات خود را به بیکاری نمی گذرانند و منافعی هم که از ایران حاصل میکنند از هیچ جا حاصل نتوانند کرد ازین و بعد ما مستخدمین خارجه قسمی باید سلوک کرد که در ممالک دیگر می نماید از دول دیگر صرف نظر کرده به بیند که در افغانستان چگونه سلوک با مستخدمین خارجه می شود و چه طور کار از آنها بگیرد

طامع است که افراد قزاق برادران وطنی ما هستند و ما غالب آنان را در آن حرکات زشت خود مجبور میکنیم ولی چون حرکات کرنل لیاکوف وسایر افسران روسی مورث نفرت عمومی از افراد قزاق بدبخت شده و ممکن نیست قلوب ملت ایران با اشخاص دارای این اسم مألوف گردد لذا چه قدر شایسته و مناسب خواهد بود که اسم قزاقی را از روی این پچارگان برداشته باسم دیگر شان موسوم دارند

و این منافی هم نیست که بر سر خدمت خویش برقرار مانند چه عروقت ایرانیان اسم قزاق بشنوند حرکات ناشایسته دوره لیاکوت بیادشان خواهد آمد و طبیباً مایه فخرشان اربین هیئت که باید ازین و بعد خدمات عمده بواسط خودشان به نمایند خواهد گردید و نیز از ارباب حل و عقد امور جبرور نمائمی نمائیم که تجدید قدرات افسران روسی را نمایند چه ایران محتاج اصلاح تمام قشون خویش است تطیم و تربیت قزاقان هم باید بر طبق جمیع قشون بشود و ره تربیت قشون مان بیک سبق نخواهد بود و بزرگترین نقص در اصلاح قشونیک مملکت در عدم یک سیاق بودن آهست و هرگاه تربیتات قشونی خودمان را اجباری قرار داده و سر مشق از سوی بگیریم و مشاقم از آن مملکت طلب شود گویا خیلی بصره مقرون تر خواهد بود باصول و ترتیب سوز با همین بودجه عسکری ایران اگر حیف و میل بشود میتوان شصت هزار قشون تحت اصلاح بوضع اروپا نگاهداشت و سالی هم سی هزار افراد ملت را باصول قرعه تحت نظام پیرون آورد

نقل از خیرانکلام

(اخبار شهری) یوم پنجشنبه ۲۸ جادالاول دو ساعت و نیم بغروب مانده از کبینه مقدسه ستار حکم قتل سالار حشمت صادر شد مامورین از مجاهدین فوراً امر کبینه را بتوقع اجراء رسانیدند . پس از قتل سالار حشمت حکم مجدد از کبینه صادر گردید که تمام دارائ و اولاد سالار حشمت در امان و تمام شئونات متزعه از سالار حشمت در حق پسرش هیات تمام مرحمت و برقرار شد . نزدیک غروب قوسول وارد حاه سالار حشمت شد (چون از چندی قبل سالار حشمت یک نشان مدال افتخار روسرا داشت) فوراً قوسول بمحض ورود حکم میکند بیرق روسرا در بالای حاه سالار حشمت بر دخیال سالار حشمت که از نجباء و متشخصات ایالت است در کمال متاب و مردانگی قوسول روس جواب میدهد که اگر مجاهدین تمام ما را قتل عام کنند در نهایت افتخار حاضریم و نص بیرق روس را نسل و سار ابدی در خانواده خود میدایم بیرق زدن و دخالت نمودن شما در امورات ما لازم نیست ما خود مان دانیم و آزادی طلبان - علاوه پسر

اوسط سالار حشمت مسی بقدرت الله خان در آن حال سوگواری و گرفتاری حضوراً بتونسول روس جواب داد که یک موی مجاهدین را بالا تر از بیرق روس میدایم و بقتل رسیدن پدر را در دست مجاهدین افتخار مینمایم

آفرین بر این شیرزن وطن پرست ، مرحبا بر این اولادلق ملت دوست ، جنبا از این نیرت و نصب که مرگ را ترجیح بر حبلیکه در حمایت دیگران باشد میدهند . خوبست مردانیکه در سایه این حمایت ما زندگی اختیار کرده نصب و نیرت ایرانیت را از این شیر زن و نوباوگش یاد بگیرند و حیت اسلامیت را از دست بدهند ، و بداند که کسانیکه این نور نیرت و حیت و وطن پرستی محرج داده اند این شرافت ابدی را برای اخلاف خود بیادگار گذاشته که اوراق تاریخ دنیا این شرافت و بزرگی را مثل لردهای انگلیس نب و ضبط نموده و بعکس اشخاصیکه به بیغیرتی و بعبیتی ترک وطن پرستی نموده دفاتر خلود و تاریخ دنیا در نهایت زشتی و بدنامی این کردار ناهنجار را در بوردیده و برای اخلافشان بیادگار خواهند گذاشت

محض برور این نیرت و ظهور این وطن پرستی در یوم جمعه ۲۹ باصر کبینه مقدسه تمام رؤه ای مجاهدین حاضر شده بخش سالار حشمت را در نهایت احترام بتربیت نعیمی خیلی با شکوه و حشمت حرکت داده و بخاک سپردند - گفتار این شیر زن و اولادش مداخله قوسول روسرا در امورات - ادار حشمت منع و سرکار قوسول مایوساً مراجعت کردند

ترجمه اخبارات خارجه

۹ آگست « دلی تلگراف » مینویسد - زشت کردار ترین دزدان آذربایجان رحیم حال که همیشه شغلش راه زنی بوده و سابق در نزدیک (قراچه داغ) موضعی که ارمی شش بود قتل و غارت نمود فعلاً مبدان وسیعی برای غارت گری خویش گشوده و کر شرارت سحت بسته شک نیست اکثر قشون منظمی در آذربایجان نباشد تمام آن صفحات را بکثات کاری خود آورده خواهد بود و هر گز برای اولیة خویش را عودت خواهد داد - و چون (قراچه داغ) در سرحد روس واقع است درین موقع هرگاه حرکت بجائی نماید نتیجه این برای ایران

بسیار ضخیم خواهد بود و بیرون نمودن قشون روس بطول خواهد انجامید و باید نیست مورت فساد و خونریزی زیاد شود - در آن صورت روس دعوی خواهد کرد برای رفاة عامه و آسایش اهالی قشون باید در آذربایجان بماند

جلوگیری از ظل السلطان آنچه معلوم می شود به امر و اشاره حکومت مرکزی بوده و ورود او را در ایران مورت عود انقلاب و مغل آسایش عمومی تصور مینمایند ، متوسست قبل از آنکه او را اجازه بازگشت به اروپا دهند بقایای چندی که ذمه دار است در جلو او خواهند گذارد و از او خواهند گرفت نفی زاده دیروز با جمعیت زیادی وارد طهران شد ، امروز میر هاشم را که در (قلپک) مصمم فرار بود گرفتار نمودند

اخبارات پترزبرگ مینویسند سواراییکه تحت حکم ستار خان بوده بن حلسا و تبریز مردم را نخت می نمایند و خود را حامی شاه مخلوع جلوه میدهند دسته از قزاقان روس برای نجات بعضی عملجات که اسیر اشرار شده حرکت و ۴ نفر را کشته و هفت نفر را محروح نموده اند متزاقان روسی صدمه وارد پیامده است

سردار قشون روس دسته از سواران مسلح را در (مرید) با توب فرستاده که امنیت راه بین حلسا و تبریز را نگاهداری نماید

حبل المتین

اخباراتی که از پترزبرگ اشاعت می شود همه مبی بر پلتیک و عاری از صحت است روسها همواره در بدنام نمودن یکه تاز میدان سیرت حضرت ستارخان سعی بوده و اشاعه این خبر هم مبی برهن مسلك است و تمام توجه روس در بهانه حوقی برای قیام قشون خود است و هیچ بید نیست که ساداتهای روسی مرتکب این دزدیها شده که هم احرار را بدنام کنند و هم بهانه برای قیام خود بر عالمان ماهر دارند

مارتیک ۱۳ اگست مینویسد - اخبار (درج) از وقایع نکار طهران خود چس خبر یافته چون حرکت شاه مخلوع از ایران به شبه آمده مقرر گردیده شاه معصوم بجد است که پدر را از خون خود نجات دهد و از عملات سلطنتی هم يك مرتبه

رفته بود ، چون ایشان را عودت دادند بهلاک خویش قیام نمود ، از ترو ارباب حل و عقد را عقیده این است که اگر اینگونه حرکات امتداد یابد ایشان را نزد پدرشان بفرستند ، بعض طوائف و قبائل هم هنوز سلطنت ایشان را قبول نموده اند سالارالدوله برادر محمدعلی افواه است که بوکات

لارستانها بجناب طهران رهسپار خواهد گردید کاشان و شیراز حکومت جدید را قبول نموده اند روابط اتحاد بین قشون ملی و مجاهدین بختیاری بموجب دلخواه نیست و بسیاری از نیافتن مواجب شکایت دارند

درماده میویریم رئیس نظمیه هم گنگو خیلی دریش است ، عاقبت بدادن مبلغ گزای ظل السلطان اجازه ورود طهران یافت

اخبار (نیویورک) تردید میکند خبری که دولت ایران در عوض مشاق روسی افسران آلمان مقرر خواهد داشت و مینویسد که اگر چنین امری پیش آید دولت روس درشالی ایران سخت اعتراض خواهد نمود

حبل المتین

اخبارات پترزبرگ همواره بطر بمنافع خرد دربارة ایران صحبت میدارد ، بطر باطلاعات مخصوصا اتحاد بین سرداران و افراد قشون ملی و مجاهدین ایل حلیل بختیاری بدرجه است که ما فوق آن متصور نیست و این خبر کذب محض است ، آنچه در خصوص شاه معصوم نوشته اند اگر هم مقرون بصواب باشد نشئه ایست که در لوحه صاف ایشان بدرشان نشن نموده و عقرب که محمدعلی ایران را ترك گوید اینگونه واقعات خائمه خواهد بدیرقت و احدی از قبائل و طوائف از قبول سلطنت تازه استکف نه نموده این هم چون (میویریم) بحریت و مشروطیت روس خدمات بزرگ نمود جرائد طرفدار استبداد بنظر اصناف در حق او سخن نیرانند و خدماتیهم که به مشروطیت ایران از آغاز فتح گیلان تا ورود به طهران نموده بیشتر روسیان را مخالب ساخته بلکه به تشویش انداخته است طمس ندن ۱۳ اگست مینویسد - ادارجت روسی مجدد خیالات خود را بجناب ایران معطوف داشته و از پیش آمد واقعات آنها اهل زمانه ماهر میدارند

انژیوی وقایع نکار دیلی تلگرافی

(از مسیو اسوالسکی وزیر خارجه روس)

(۴ اگست در پاریس)

پس از سؤالات چند مسیو اسوالسکی وزیر خارجه روس اظهار داشت - اوضاع کنونی ایران بهترین دلیل استحکام اتحاد دولتن انگلیس و روس بر حسب معاهده است ، دولتن مشار الیها کمال اعتماد و اطمینان را بیک دیگر دارند و در ایران فقط سکران منافع خویش بوده و خواهند بود قسمیکه در منافع ملی ایران و استقلال آن هیچ گونه خللی واقع نگردد و مداخلتی در امور داخله نشده باشد . دولت روس تا کنون بی بند بیهن مسلک بوده و نیک نیتی خود را کاملاً در قلوب بی خواهان ایران جای داده است یعنی همان بی خواهانیکه سابقاً روس را دشمن آزادی ملی ایران می بنداشتند . موجودکی قشون روس در ایران نتایج نیکو برای ملت ایرانیه بحسبید ، احدی انکار نتواند کرد که ورود قشون روس در آذربایجان تبریز را از قتل و غارت نجات داد و همین قسم ورود قشون روس در قزوین سبب گردید که خوزیزی عظیم در طهران واقع نگردد ، ورنه در طهران چنان قتل و غارت و خوزیزی میشد که ما فوق آن متصور نبود بسیاری از مشروطه خواهان ایران نیز معترف بصالح پسندی روس هستند

و هیچ دلیلی بر صلح پسندی روس واضح تر ازین نیست که تا هنگامیکه اشد ضرورت پیش نیامد قشون در ایران نرسند ، و پس از آنهم که قشون وارد ایران نمود باز هم ترك مسلك صلح پسندانه نمود - حرکات صاحب پسندانه روس تکذیب نمود پیشن گوئیهای اشخاصی را که میگفتند روس میخواهد ایران را به مملکت خود الحاق دهد

وقایع نکار - مشروطه خواهان عموماً یا حصه از آنها را تا خون عقیده و بیان این است که هرگاه تأییدات خارجی یا باطنی روس نبود ایرانیان سلطنت را از خاندان قجریه به بختیاری تبدیل میدادند وزیر خارجه - کسانی که از حقیقت حال و اصول کار واقفند هرگز چنین تصور نکرده و اینگونه سخن نخواهند گفت ، چه از بدو امر تا کنون در معاملات ایران دولت روس قطع به حیثیت یک تاجائی پیش

امیدیکه سلطنت جدید ایران در برقراری امنیت بود رفته رفته دارد سلب می شود - چه هنوز در اکثر نقاط قتل و غارت و حرکات وحشیانه جاری است و امنیت در طرق دیده نمی شود و دزدان مردم را صدمه میرسانند ، ازین رو تجارت متوق مانده - چنانچه در وزارت خارجه مجلسی منقذ و دستور العمل های لازمه برای سفیر انگلیس مقیم طهران فرستاده شده است

در آخر اینهمه دو فوج سربار و ۲۰۰ سوار و ۲۰۰ قزاق ایرانی از طهران به طرف آذربایجان حرکت دادند حکومت جدید را عقیده این است که این عده قشون با دو رژیم قشونیکه در تبریز منظم می شود برای تکلیفاتی امنیت در تمام صوبه آذربایجان نسبی که شاید و باید کافی میباشد

رسولی از جانب حکومت تازه ایران در وقت نزد ظل السلطان رفته صد هزار لیرا که برده او بیرون آمده طلب کرده است . ظل السلطان تا کنون وجه مذکور را نداده . میگوید با وجود اشاره ای که سفراء دولتن روس و انگلیس درین حرکت او بطهران نموده بودند خود سرانه بایران آمد و صحتیکه دولت انگلیس و روس هم از او داشتند مرافع داشت ، هر حال برای آرازی و نجات خویش باید مبلی بحکومت جدید تقدیم نماید

وزیر داخله اظهار داشته بود که مجلس ملی در عرصه یک هفته منقذ می شود ولی حالا چنان معلوم می گردد که انعقاد مجلس ملی یک و نیم ماه دیگر ضول دارد

ناصر الملک با اینکه امروزه ایران منتهای احتیاج را بوجود او دارد هنوز در اروپا میباشد و اهالی در انتظار مقدم ایشان هستند

استدرد ۱۰ اگست مینویسد - امروز صبح یک از مستبدین معروف میرهاشم نام را در میدان توپخانه طاب انداختند ، بد از استطاق جرائی که بر او ثابت شده بود یک یک بر تخته نوشته بگردش آویخته بودند ، جن اعدام او از دحام زیاد بود و تا غروب آفتاب جسدش بردار آویخته بود ، در حینیکه نعش را میخواستند فرود بیاورند موصکب شاه جدید از میدان توپخانه عبور نمود ، هزار لیرا از بغل میرهاشم بیرون آمد و دولت تصرف کرد

نبود تا وقتیکه منافع وی در معرض خوف و خطر در آمد و گمانم این است که هیچ دولت و ملت رضا بمضار خویش نمیدهد، در آنوقت هم دولت روس فقط اقدام در حفظ منافع خویش کرد - دولت روس وقتیکه ملاحظه نمود از مشروطین برطایای خارجه صدمه نبرد و از روی قاعده با آنها سلوک میکنند ابدأ در کارهای آنها دخالت نمود و همین قسم وقتیکه پادشاه را مخلوع داشتند و دیگری را بجای او نشانند دولت روس بدون هیچ گونه چون و چرا تسلیم نمود

وقایع نکار - هرگاه مشروطین شاه نابالغ را انتخاب نمیکردند و بجای او یک نفر مستعد قوی را سلطان میداشتند روس چه میکرد؟

وزیر خارجه - هرکس را ملت ایران به سلطنت نامزد میکرد دولت روس از مداخلت باز میماند، این خیال خام است که در چنان موقع دولت روس ابراز قوت خواهد داد

وقایع نکار - عقیده جمعی از اعضای پارلمان انگلستان این است که هر قصد و اراده که دولت روس بایران قشون فرستاده فعلاً انجام یافته اگر راستی دولت روس صلح پسند است چرا قشون خود را از ایران عودت نمیدهد؟

وزیر خارجه - برای آن اموری که دولت روس برخلاف میل قلبی خود قشون بایران فرستاده قبل از تکمیل و انجام آن نمیتواند قشون خود را باز طلبد - ما میدانیم که گذاردن دو اردو در ایران مصارف زیاد دارد و رجال دولت روس را عقیده این است که هر قدر زودتر ممکن شود قشون را طلب نمایند

وقایع نکار - آیا دولت روس خیال عودت قشون خود را از ایران دارد؟ و من میتوانم باخبر خود از طرف شما این مطلب را اعلام نمایم؟ وزیر خارجه - البته و بیشک و شبه

وقایع نکار - دولت روس قشون خود را کی از ایران خواهد طلبید؟

وزیر خارجه - همینکه اطمینان به امنیت ایران حاصل شود

وقایع نکار - چه برهان و دلیل برای قیام امنیت در ایران باید اقامه داشت؟

وزیر خارجه - هر وقت حکام فعال در بلاد برقرار و مردمان کاری بسرکار بیایند - مثلاً در تبریز اول باید یک فرمانفرمای لایق معین شود که قابل انتظام تمام صوبه و مقتدر هم باشد که نا امنی را رفع نماید آنوقت روس را اطمینان به بتای امنیت و دفع هرج و مرج حاصل خواهد شد - همان قسم است باز گرفتن قشون ما از طهران و قزوین وقایع نکار - آیا این امر برای دولت روس اطمینان بخش نیست که ملتیان رئیس قزاق را برای نظم طهران برقرار داشتهاند؟

وزیر خارجه - بلاشک این اقدام دولت جدید برای دولت روس نهایت اطمینان بخش است

وقایع نکار - آیا تعیین یک نفر تبعه روسی ریاست نظمی طهران اطمینان دوام امنیت را بشما نمیدهد؟ وزیر خارجه - جای غور و تأمل اینجا نیست چه این شخص از آرامنه و سکنه قفقاز و اسمش (بریم) است

وقایع نکار - مسیو (بریم) همان شخص انار کیست که از اقدامات وی پلیس روسیه شوریدند نیست؟

وزیر خارجه - بلی این شخص همین است

وقایع نکار - من از بیانات مسیو اسوالسکی چنین استنباط کردم که خیال دولت روس بر این است که از تفرق یک نفر انار ریاست رعایای او بعهده ریاست نظمی قیام امنیت در ایران دشوار است و این نیز یکی از آن اسبابهاست که دولت روس قشون خود را از قزوین حرکت نمیدهد - همینقدر میتوانم بگویم که من از سؤال و جوابی که با وزیر خارجه روس نمودم اطمینان حاصل کردم که خیال روس در عودت قشون از تبریز و قزوین هست ولی نظر بخرابی اوضاع ایران و خوف از مال و جان رعایای خارجه تأمل دارد، مادامیکه اطمینان به حفظ مال و جان خارجه بدرجه کمال نشود روس قشون خود را عودت نخواهد داد

حبل المتین

این بود نص سخنان (مسیو اسوالسکی) وزیر خارجه روس، اگر چه سمت رسمیت نمیتوان باین گونه سخنان داد ولی اگر پلنیک نباشد تا درجه

نجه میتواند ازین سخنان استنباط نماید ما در
بنده بر این مشایه بحث نموده رأی خودمان را
نواهی بوش

دروس حاکمیت در میگو ای که دواب روس
عواء محوای قشور خود را از ایران باید طلب نماید و
رفدر ما درامیب بدان بگوئیم ولی امتدای
بحرانی رودتر مقصود خویش مائل توایم آمد و
چون ما عقب نتیجه هستیم چه کار داریم بگو ای
بت روس درحق ایران صاف بود یا نه ، حالا که
م اردوستی میزند ما هم او را بدوستی میشناسیم ولی
باید این سخنان دیپلماتیم داخوش شده ازخیالات
خویش بار آیم ، ما توکل باید عمل کرد

تنگر دوت روتر راجع ایران

(۱۱ شعبان - ۲۸ آگست)

توح اجبار تمام شرقی ایران (مستریت) و
(مسترحس) بسلامتی وارد کرمان گردیدید مستر
(ریت) گرفتار شده بود ولی پس ازگرفتن آنچه همراه
داشت خودش را رها نمودند

(۱۳ شعبان - ۳۰ آگست)

محر روتر از تبریز خبر میدهد که محافظین
فوج روس رحیم خان را که شریک خنک تبریز
بود گرفتار نمودند

جبل المقدس

آنچه را اخبارات روسی تهمت سواران ستارخان
پس راه خلخا و تبریز میدادند رحیم خان و سواران
او بوده اند به سواران ستارخان و بتیاده ما این
حزب سمدی بوده تا خان رحیم خان را محوط
دارد و هیچ نمیدانست که دستورالعمل از مرکز
استمداد داشته تا ایسجه بقا است که حکومت جدید
رحیم خان را از روسیان گرفته و پس از محاذ
سزانش خواهد رساید

(۱۶ شعبان - ۲ ستمبر)

محر روتر از طهران خبر میدهد که حکومت
جدید اعلان عمومی صادر فرموده ولی قانین
مستبدین که در سفارتخانهها پنهانند ازین عفو
عمومی خارج اند هرگاه آنها هم شرط نمایند که
ما دایم در ایران نخواهند آمد میتوانند از ایران

جبل المقدس

اعلان عفو عمومی بجا بوده ، مسلم است که مستبدین
تمام در مرکز نبودند و بیشتر در اطراف مصدر
شرارت می شدند ، البته از جنوب و شمال هم صرف
نظر نشده تا کابینه ایران را ارواحود مستبدین پاک نماید
(۱۷ شعبان - ۳ ستمبر)

محمد علی میرزا رضا داد که تمام املاک شخصی
خود را بحکومت جدید تسلیم نماید نمایندگان حکومت
جدید با سفرای روس و انگلیس مسوده قرارنامه را
نوشته اند که در آن یوم حرکت شاه معین و صد هزار
تومان هم سالانه برای او مواجب قرار داده اند

جبل المقدس

حق این است تا آخرین نقطه هم ملت ایران
در حق محمد علی با آنچه صدماتیک بر آنها وارد
آورده خوش سلوکی نمودند و گمان بیرون هیچ ملتی
با پادشاه ملت کش خود ایگوه سلوک بیک نموده باشد
وطینة رئیس جمهوری امریکا صد هزار تومان است که
به محمد علی داده شده و ما این مبلغ میتواند ما کمال
رفاهیت زندگانی نماید ، و نظر تبیض بدی که در
او است از همین مواجب کافی مبلغ همگتی جمع
خواهد نمود و عنقریب همان وجوهات ما بران بار
گشت خواهد کرد انشاءالله تعالی

(۱۶ شعبان - ۲ ستمبر)

بموجب تلگرافیکه از کرمان رسیده بلوچ
که اطراف را مغشوش نموده بودند و خوف حمله
آنها بر شهر میرفت تمام پراکنده شده اند

اتحاد مسلمانان یا بشارت ترقی مسلمانان
وور نامه شریعه عربی و ترکی مطبوعه نهدا
میویسد که اعلیحضرت امیر حبیب الله خان پادشا
دولت خدا داد افاضان پس از فتح و فیروزی
لی ایران تاگراف تبریزی بحضور مبارک آیةالله
خراسانی نموده تشکر از اقدامات حیات بخش ایشان
مسلمین کرده اند ، الحق یکی از بهترین دلائل سعادت
اسلامیان درین دوره اتحادات و ارتباطات مسلمانان
است که قرنهایست اسلامیان را وداع گفته بود
این نیست مگر منها درحیة سیاس و پیداری
اعلیحضرت امیر افغانستان که جای دارد مسلمانان
بوجود مبارکشان ، نالند ، از جملات مستند است

﴿ جیل المین کلک ﴾

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

HALLUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

﴿ کلبه امور اداره با ﴾

مدیر کل مؤید الاسلام است

﴿ هر دوشنبه طبع ﴾

و سه شنبه توزیع میشود

﴿ نامه مقدسه ﴾

المناجاة

﴿ قیمت اشتراک ﴾

﴿ سالاہ — شش ماہہ ﴾

﴿ ہند و برہہ ﴾

﴿ ۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ ﴾

﴿ ایران و افغانستان ﴾

﴿ ۴۰ قران — ۲۰ قران ﴾

﴿ عثمانی و مصر ﴾

﴿ ۵ مجدی — ۳ مجدی ﴾

﴿ جناب مستطاب اجل عالی آقای باقر خان سالار ملی دام، اقبالہ ﴾



شیر بیشه شجاعت سفید کننده روی آذربایجان قوام دهنده مشروطیت حافظ وطن و خادم ملت . . .
این یگانه شیور بافتوت یکی از سه سرداران است که ملت تبریز با سواران خاصه در موقع انقلاب طهران
برای حفظ وکلای پارلمان از شهر بیرون فرستادند و همینکه مجلس مقدس بتوب جفا منهدم گردید و مستبدین
در شهر تبریز دست از آستین غداری بدر آوردند با سردار ملی جناب ستارخان عودت به شهر نموده این
دو شیر پسته شجاعت و جوان مردی از آغاز پشت به پشت یکدیگر داده تا کر مستبدین را در هم شکستند ،
به اصول مهندسی و قلعه سازی منتها درجه بروز لیاقت را در تعمیر سنگر های جنکی تبریز که
مورث تمجید اروپائیان شده بود داد . و در میدان شجاعت و دلآوری چنان داد مردی و مردمی داد که
رد تحسین تمام جرائد و ارباب سیاست اروپا گردید و در استقلال و شہامت نامی بزرگ در تاریخ دنیا
بل نمود که بصرف کرورها برای بزرگترین سرداران جلیل القدر حاصل نتواند شد

چیزیکه بیش از همه مایه تمجید تاریخی سردار و سالار گردیده این است که مستبدین باتشبهات گونه
، و رشوه و وعده و وعید نتوانستند میان این دو وطن خواه شیور جدائی افکنند و هر گاه اتحاد و اتفاق
لاری و برابری آنها نبود هرگز تا این درجه مقضی المرام نمیگردیدند . در همین میدان این یگانه فرزند ایران
، بدوش ستار خان حرکت مینمود ، ایرانیان راست که قدر این وجود محترم را دانسته تانفای قومیت
از ایشان و پیادان شان مشکور و ممنون باشند و ما دعا می نمایم که خداوند امثال این وجود شیور

وزارت داخله ملاحظه فرماید

هرگاه برده از روی واقعات و حادثات سه ساله مشروطیت ایران برداشته شود بخوبی معلوم خواهد شد که علت جمیع انقلابات، سبب کایه اشتیاقات حکام و ولات بوده‌اند چنانچه در هر نقطه که حکام آتش فتنه را دامن زدند حادثه اسف ناکي هم پیش نیامده است، تخریب این واقعات گویا توضیح واقعات و از موضوع ما خارج باشد

قطعی می‌خواهیم بدانیم که علت آن حرکات حکام چه بوده آیا هنوز هم آن علت باقی است یا نه اگر باقی است دفع آن چه گونه ممکن است؟

آنچه ما میدانیم علت دو بوده عارضی و طبیعی عارضی منقود و طبیعی موجود است

عارضی شاه مخلوع بود که بواسطه یا بلاواسطه محرك حکام و ولات در اعتشاش بلاد و هیجان عوام و برانگیختن علما نمایان و اشعار معمم و مکلا میشد، که عایق پیشرفت مشروطیت گردند. اگر درست دقت شود شخص محمد علی به تنهایی اگر حکام بلاد با او معیت نداشتند مصدر این همه انقلابات نمیتوانست بشود. آنچه درین سه ساله پیش آمده و آن همه خسارات مالی و جانی و استقلال که برای ایران رخ داده ولو علت العلیلش محمد علی بود ولی آله پیشرفت مقاصد او حکام بوده اند، برانگیختن ملانمایان اطراف بجنبش آوردن ایلات و دزدان و قائم نمودن پارتی مستبدین در هر نقطه و شهرها را از نظم انداختن و ضریق را از امنیت خالی کردن تمام نتیجه اقدامات حکام بود، و اگر حکام مائل نبودند هرگز آن واقعاتی که سبب آن همه خرابی شد پیش نمی آمد،

فلا آن علت که عبارت از ترضیه خاطر شاه و عارضی بود مرتفع گردید یعنی نه آن شاه باقی و نه آن تحریکات از مرکز خواهد شد

اما علت طبیعی که عبارت از میل قلبی حکام بخود سری و جلب منافع شخصی باشد تا کنون باقی است، کسانیکه از وضع حکومت سابقه ایران واقف اند بخوبی میدانند که حکومت و ایالت در ایران موقوف بادشاهی کوچک بود و در مرکز

حکومت خود مطلق العنان بودند، می بستند، می کشیدند مدخول میسکردند، خرج ترانی می نمودند احدی را جرئت مخالفت نبود چون شکایات طهران هم باندک پیشکش رفع می شد تمام هم حکام و ولات منحصر درین بود که راه دخل تازه برای خود پیدا کرده و یا حساب ترانی برای دولت نموده مالیات را بالا کشند، کار را باندازه بی برده کردند که دولت مجبور گردید وزارت بقایا قائم نماید

آن حکومتیکه عدایه بود، معارف بود، قوه مجریه بود، تجارت بود، شرع بود، عرف بود، مختصر همه چیز بود، و باختیار خود هر چه میخواست میکرد، مدخولهای صدرار تومانی می برد امروز فقط باید نگران بر امور و دست نشانده قانون باشد، و نتواند يك دینار اجحاف و زیادتى و جریه و خرج ترانی نماید، درین صورت مسلم است که حکام و ولات باختیار ترك مسلك اولیه را ننگته باوضاع کنونی تن در نخواهند داد، حکومتی که در سوابق ایام صدرار تومان سالی دخل می برد خیلی دشوار است که به پاصد تومان یا هزار تومان مواجب معانه قناعت نماید علاوه بر این عادت اولیه برای آنها طبیعت ثانویه شده چون سابق دخل بسیار می نمودند خرجهای پیوده نیز زیاد میکردند و امروزه اگر آن خرجهای بیجا را نکند بقیده خود شان آن بزرگی و عظمت و جلال برای آنها باقی نمی ماند

این است که خواه مخواه با برخی وکلای ایالتی و ولایتی ساخته با ملانمایان دست یکی شده اشرا را برانگیخته بآزدان ساخته پارتی مخالف تشکیل داده تا شهر و طریق را ناامن و مفسوس، هم مدخول کنند و هم خرج ترانی برای دولت نمایند بلکه باین وسایل اوضاع سابق را پیش آورده خویشتر را دوباره مالك رقاب سازند، بدبختانه دیده می شود که هنوز بعض حکام باین خیالات قلسه باقی و دارند کار شکنی می نمایند، چون ما در موضوع عام بحث می نمایم به اظهارات خصوصی نمی پردازیم و دفع این علت طبیعی را گویا باین قسم بتوان نمود

(۱) تا اینکه ممکن است کمابیه صر خود را بحکومت های دوره استبداد گذرانده از حکومت معاف دارند

(۲) اشخاصی که در يك نقطه مدتی حکومت و راه و رخته دخل کردن و امتشاش انداختن و سـ ازش با اشرار را بدست آورده در آن نقطه حکومت نه دهند

(۳) درجه برای حکومت مقرر داشته و تعیین مدت در هر حکومت به نمانند. تا از روی درجه دو نوبت يك نفر در يكجا حکومت نه نماید و همین نكلا سبب خواهد گردید که در آن مرکز حکومت املاك و علائجات تحصیل نه عـوده و بشکر های باطله نیوقند

(۴) اشخاص نوریس تسلیم یافته را باایالات و حکومت انتخاب نمانند که هم طمع وهم طبعاً مضراتشان بملك و ملت کم خواهد بود

نظر بر اینکه انجام و اجرای این امور مدتی طول زمان میخواهد خیلی مناسب خواهد بود که هر حکومت را که بر حـا مفرستند بر حسب قوانین مشروطیت قسم داده و سزای تخلف از تخلف را بر آنها به نمانند و جدا هم نگران اعمال آنها باشند و سخت مقش بر آنها بکارند و این را هم بدانند که تربیت حکام سابق باصول مشروطیت بسی صعب و دشوار است ، و کان نیرود تاوقتی که چند نفر حکام جایگاه مفاخر الملك و منبع حضرت را تماشا نه نمانند ترك عادات بگویند و همچو معلوم می شود که بعض از حکام سعی اند که بهمان نیرنگرای اوپه با اعضای انجمن و اشرار مملکت سـاخته انقلاب انداخته مدخول نموده برای دولت هم خرج تراشی نمانند ، اینك که آغاز امر است باید بسختی تمام جلوگیری ازین گونه مفسدین بشود

باز هم میگوایم حکام کهنه درین دوره برای ایران زبان دارد، تجربه ایام استبداد حکام برای امروزه فائده بخش تصور نمی شود ، ازین و بعد قانون حاکم و حاکم فقط باید نگران بر قانون و ادارات جزء و کل باشد ، و این خدمت را رجال نیروریس تسلیم یافته با بهتر انجام تواند داد ، نظری

بهر از مخرالسلمته نداریم که هیچ وقت در شغل حکومت نبوده و يك دفعه فرماقرمای ابائی مانند آفریابان گردید ، و آن حسن خدمات را نمود از طرف دیگر آصف الدوله تمام صر خود را در حکومت های بزرگ و كوچك گذرانیده حتی این آخری دود مشروطیت هم در فارس دیدیم چه آتش افروزی کرد و این مقضی المرای حکام در انداختن آشوب و اغتشاش مملکت نتیجه کم دیانی وکلای انجمن های محلی است ، و قلع و قمع این گونه مفسد و مفسدین جز در سایه اداره ققشش نتواند شد

ایران اداره ققشش لازم دارد

حکا میگویند خودسری طیبی هراسان ، و طمع جبلی ، هرگاه این دو در يك موضوع بهم ارتباط یابند فقط روادع معنوی مانند مذهب و اخلاق و عادت ، جلوگیری از ارتکابات ناجیز آن نتواند نمود اینست که دانایان فرنگ با اینکه منتهای دقت را در تعلیم و تربیت افراد ملت دارند و نیل بهر مقام را نیز در سایه علم و فضل قرار داده و کمال جهد را هم در حسن انتخاب می نمانند و پس از انتخاب از روی دیانت حلف نامه بدم خیانت از او میگیرند و در مقابل هر خیانت هم سزای سخت برطبق قانون غیر قابل الغو وضع نموده اند ممالک باینها اکتفا نکرده در هر امر و هر کار منتشرین مخصوص کاشته که سرأ وعلناً حرکات مأمورین دولت و مستخدمین ادارات را تحت ققشش و نظارت در می آورند ، حتی بر اداره ققشش هم مقش میکارند ، در دول متمدنه اداره ققشش یکی از ادارات بزرگ و خیلی محترم است و هر يك از دول که اداره ققشش را بیشتر اهمیت داده حسن انتظام و ترتیب ادارات او بهتر است ، چنانچه دولت انگلیس که منظم ترین دول روی زمین است اداره ققشش او وسیعتر از سایر دول است چنانچه یکی از دانایان انگلیس اظهار داشت که بیشتر این حسن تربیات را ما در سایه ققشش داریم

عقلای فرنگ میگویند باید در سبب قلب و دزدی کوشید تا طبعاً جنایات و جرائم از مملکت رو به قلیل گذارد ورنه کثرت سزا و جزا دادن

بمجرم مورت جبارت ارباب جنایت و مزید فساد اخلاق ملت مبرکردد و هیچ چیز مانند اداره تقنین در صورتیکه منظم و مرتب باشد سد ابواب جنایات و جرائم را در مملکت نمی نماید و مقصود (ما توکل زانوی اشتر به بند) همین است و این مسلك را میتوان گفت اروپائیان از طریق حقه اسلام اتخاذ نودهاند ، این را هم باید دانست که عرض از تقنین در امور است که نفع و ضررش راجع بنوع باشد ورنه در امور شخصی و حادکی تقنین ناجایز و خلاف جمیع قوانین و بر طبق قانون مقدس اسلام نیز حرام و مذموم است

بعضی فرق میان جاسوس و تقنین را دوکنه گفته اند ، اول تقنین از روی قانون در تجاوزات از حدود قانونی است ، و جاسوس برخلاف آن - دوم تقنین در امور راجعه بنوع در اشخاص است ، و جاسوس تحقیق امور اشخاص برای منافع شخصی است ، بشارت ساده تر جاسوسی در اداره استبداد جاری و تقنین در اصول مشروطیت مروج است در ایران که هنوز امتیازات فصلی رایج نیست و مأمورین هم همواره خود سر بوده و تصور حرم در حرکات خود سرانه نموده اند و طبیعت شان بگرفتن رشوه و طباع ملت بدادن آن عادت نموده است ، هرگاه اداره تقنین نداشته باشیم مناسبت باین رودی در عراد کار و مجرای صحیح بگردد و امورات در حاده قانونی درآید ،

مخفی نماید که اصول تقنین را باید در جمیع ادارات (از پلیس گرفته تا برسد ، دایره شخصی سلطنت) محاط دارد ، اگرچه این اداره را مصارف کلی است ولی در حسب منافع آن هر قدر مصارف شود اهمیت ندارد ، چون منافع این اداره برای ملک و ملت تا درجه محسوس است چندان لازم به ترمیم عیدایم و همین قدر میگوئیم که هیئت کابینه راست که مصارف اداره تقنین را هم ساجید، ماسد - این مصارف ضروری دیگر که در بودجه باید مجلس پیش شود بگنجانند ، و شایده این اداره نیز ماسد سایر ادارات از ابتدا گذارده آید تا در آتیه دوچار مشکلات نگردد

در دوره اولیه مشروطیت اسی هم از اداره تقنین برای تذکره و غیره بمیان آمد ولی مثل سایر

مواد نافه رسمیت پیدا نکرده ، اداره تقنین قانونی مرتب لازم دارد و قانونش را باید مجلس مقدس ترتیب داده خیلی مذاقه در آن بشود که مطابق عادات و رسوم ملك و ملت باشد ، بقول سفیر انگلیس اگر تقنین در ادارات دولتی بشود و بر طبق قانون نگران صحیح نمایند بدون حرف دخل دولت دوگونه می شود ولی ماینگوایم ولو صرف نظر از صرفه دولت شود ممکن نیست بدون اداره تقنین کارهای ملکی ما بر مجرای صحیح بگردش آید ، چه جمیع مأمورین ما از حاکم گرفته تا برسد بفراش عادتاً و طبیعتاً مواجب را قابل اعتنا نمی شمارند ، مسرتی که در مأموریت خود دارند در مداخل از ملت و خرج تراشی برای دولت است ، و این امور طبیعت ثانوی در اهالی ایران شده و اگر اداره تقنین نباشد خارج از تصور است ، که این عادت میشود از مأمورین جزء و کل مرتفع شود آنهم به تدریج یعنی بعد از آنیکه جمعی از مأمورین جزء و کل سزاهای عبرت ناک یافتند دستی جلو حرکات خود خواهند گرفت و کم کم رسم و رواج کنونی اختتام خواهد پذیرفت

اداره تقنین در حقیقت دهنه قلابه دار قانون است برای حکام جزء و کل و مأمورین کوچک و بزرگ در خود سری طبیعتی ، اداره تقنین لطیفه خوف و رجائست برای نیكو کاران و بدکرداران ، زیرا چنانچه مورت خرابی بدکاران میگردد سبب آبادی درست رفتاران هم میشود

رئیس اداره تقنین خیلی باید محتجن و مجرب باشد ورنه مشکلات زیاد پیش خواهد آمد و این اداره دارای شعبات بسیار باید باشد و بتسمی احاطه نامه بر ادارات باید داشته باشد که تا هیچ اداره باک هیچ مأمور از خوف و رجای آن خارج نباشد و اگر اداره تقنین بر وفق قانون صحیح مرتب باشد مزید بر هرج و مرج میگردد و زیانتش برای ملك و ملت بش از نفع آن خواهد بود . فعلاً درین موضوع زیاد بر این بحث نمودن بیجاست فقط محض تذکره خاطر اولیای امور و مجلس مقدس اشاره شد هرگاه اولیای امور و وکلای مجلس را متوجه بر این مسئله اهم ضروری یافتیم انشاءالله معلومات خودمان را درین موضوع در اختیار شما خواهیم گذاشت

▶ ایران معلم علم حقوق لازم دارد ◀

دولت را به رابطه اقتصادی و سیاسی با یک دیگر آرند هر یک از روی معاهدات سیاسی و اقتصادی رای خود حقوق معین کرده اند ، اروپائیان در معاهدات اقتصادی و سیاسی منتهای سی شان اینست که از روی علم حقوق (که امروز شالوده دعای عمومی دول شناخته شده) بکنجاندن الفاظ ذومعانی حقوق پوشیده برای خود برقرار دارند ، جمیع دعای و کلیه مناقشات دول شالوده اش بر علم حقوق گذارده شده ، رجوع بنات و حکمت هم مبنی بر همین است که علمای علم حقوق نشسته بر طبق دعای طرفین حکم نمایند

همین قسم است دولت ایران که با تمام دول بزرگ و کوچک اروپا و امریکا مقاولات تجارتی و معاهدات سیاسی دارد و تا امروز (که هرج و مرج در مملکت ما فرمانروا بود) حتی کوچک ترین دول و بی اقتدار ترین حکومت بواسطه همان مقاولات سیاسی و تجارتی باسم حقوق هرگونه تعدی که خواسته اند نموده و ما هم بواسطه بی بهرهگی از علم حقوق و یا بجهت بی اعتنائی بمقوق مملکت و سلطنت در مقابل دعای حق یا ناحق آمان بدون تحقیق و تدقیق سر تسلیم خم نموده بهزار گونه مضرات و خسارات زن در داده ایم

نظر بر اینکه همسایگان هم بخوبی ملتفت منرب ما شده که ایرانیان از علم حقوق بی بهره و یا این علم شریف محل اعتنای آنها نیست همه روزه دعای ناحق باسم حقوق با پیش می نمایند (مسئله بیله سوار و دخالت های مسلحه غیرمعتاد روس و انگلیس درین اواخر بهترین دلیل بر قول ما است)

مسلم است که از این و بعد رابطه سیاسی و تجارتی ما با خارجه پیش خواهد شد و باید هم بشود لذا ناچاریم که هم حقوق آنها را از روی معاهدات بر طبق علم حقوق محدود داریم و هم در معاهدات جدید و مقاولات تازه دقت نمائیم ، اینست که ازین و بعد از هرجهت محتاج بعلم حقوقیم ، ما از روی علم حقوق میتوانیم جلوگیری از هرگونه تجاوزات خارجه نمائیم ، از روی علم حقوق میتوانیم حقوق ثابتة خویش را از دول مرابط خود حاصل نمائیم ،

از روی علم حقوق باید جرح و تبدیل مواد معاهدات خود را به نمائیم ، یعنی موادی که نافع شناخته در حفظ آن بکوشیم و آنچه معر است فهمیده در مقام تبدیلیش باشیم

این را هم باید داشت ، بر فرض در میان ایرانیان معلم علم حقوق بهتر از اروپا هم پیدا شود چون خارجه دندان مان را شمرده سخنانا هیچ شنوا نخواهد داشت ، ولی اگر معلم اروپائی همان حرف را بگوید مجبور باستاند ، علاوه در جنس ایرانی هنوز آن جلالت علمی پیدا نشده که باعتبار علم و اطلاع خود جلوگیری از تجاوزات اروپائی نماید ، چنانچه دیده شد جلوگیری که (نوز) در ماده کرک از احاب کرد صدر اعظم ما هم جرئت اقدام نمی نمود ، و هم قسم شنوائی که از سخنان (نوز) احاب میکردند از فرمایشات صدر اعظم هم نمی نمودند و این عقیده و روش تا چندی دیگر در اروپائیان از ایرانیان خواهد بود تا ببارز ایاقهای عبیده و مرور زمان رائل گردد

این حرمت و بسیاری از جهات دیگر که ذکرش در اینجا گنجایش ندارد شدیداً توجه اولیای امور و مجلس مقدس ملی را مطلوب میداریم باحتیاج عطیة ملک و ملت بوجود یک معلم علم حقوق ، و بدون شبهه جنس معلم را ما باید از اروپا جلب نمائیم ، و چون امروزه ایران باید از روی علم حقوق کارهای عمده حقوقی خود را اصلاح نماید و مشاجرات حقوقی بسیار بین ایران و دول سائر پیش خواهد آمد باید معلمی که مستخدم گذاریم از علمای علم حقوق و معروف در این فن و سخنان نزد ارباب فن قابل اعتنا و اعتماد باشد ضروریات کنونی ایران بیک شاگرد فارغ التحصیل علم حقوق رفع نتواند شد ، هرگاه ما یک از علمای معروف علم حقوق را به ایران جلب کنیم متجاوزین بمقوق ایران طبعاً در تجاوزات خود دستی جلو رو خواهند گرفت ، و همین نکته ظاهر است که تا چه اندازه منید بحال ایران و مزید آسایش خیال رجال دولت در انجام خدمات دیگر خواهد گردید ، و در مدرسه حقوقهم با معلم مربرور شاگردان ایرانی را تعلیم توانند داد ، ولی اگر شخص غیر معروفی از ارباب علم حقوق جلب شود ولو خیلی عالم و فاضل هم باشد

جز تسلیم و راه نمائی منافع دیگر از او حاصل نتوانیم نمود یعنی همسایگان متجاوز ما مرعوب او نخواهند شد و در تجاوزات غیر محتانه خود ملاحظه از وی نخواهند نمود ، ظالم است مرعوبیت آنها در تجاوزات ولو اندک هم باشد خیلی بحال ایران نافع شناخته می شود

این نکته را هم ناگفته نماندیم که جلب مستخدمین خارج اعم از معلم حقوق یا مستشار ادارات و ورارات بر باید بتوسط سفرای خارجه دول مقیم طهران طلب شوند که مرتب چندین قسم زیان برای ما خواهد بود ، انتخاب مستخدمین خارجی را باید مستخدمین ایرانی در خارجه به نمایند و صام صحت عمر آنها نیز باشند و هر قدر زودتر ما مستشاران خارجی و معلم حقوق را در ایران حسب نایم سرریز به ترتیب ادارات و انتظام کارها موفق خواهیم گردید و ما منتظریم که خیلی زود بشویم اولیای امور حکم با استخدام و جلب مستشار های خارجی و معلم حقوق فرموده اند

هیئت ایران هیئتی وزیر تراش لارم دارد
حی از ارباب سیاست را عقیده ایست که حصرات اشرف سپیدار اعظم و سردار اسعد و ناصرالملک را امروزه باید بخدمات مافوق وزارت کاشت و وزارت شخص ایشان را نه پسندیده ، میگویند که این ذوات محترمه ضجراً در وزارت مستعمل می شود و بر حسب اقتضای کنونی ایران وزرا حیل دوام نتواند نمود و هرگاه هیئت وزران که آنها شامل اند منقسم شد قانوناً و بالتبع ایشام کنار خواهند رفت و کناره حوئ آنها امروزه معلوم است که تا چه اندازه مصر بحال ملک و ملت و ممکن است حضرات عیبه پیش آرد ، وطنی است که عظمت و هیبت کنون این سه وجود محترم پس از کناره حوئ بان نتواند ماند ، و امیدواریم که بخدمات این ذوات محترم است تبدیل به یأس خواهد شد ، علاوه این ذوات محترمه هم طباً قوت قلب و اعتیادی که بپوش خویش امروزه دارند کم شده سرد خواهند گردید . و چون تا کنون عرابه کار های ایران بجرای بیخ در گردش نیامده و چندیم طول دارد ممکن است این پیش آمد های حتی اوقوع

خللی عظیم در پیشرفت کار ما پیداژد - امروز شایسته است که این قوت نظامی و سیاسی را با جن شیرین باصول خلل ناپذیر محفوظ داریم ، و حفظ آن منحصر در این است که این سه ذوات محترم را از نام و شغل وزارت باز داریم یعنی این قوت باید وزیر تراش باشد و قوت عظیمه سیاسی و نظامی خود را محفوظ داشته نگذاریم در انظار خارجه و داخله مستعمل شود و بهمین ملاحظاتی بود که شوکت پشای غیور و حزب مخصوص او (که علت الملل خوشبختیهای عنانی شناخته شده اند) از قبول وزارت استنکاف نمودند و قوای قویه خویش را بشغل وزارت مستعمل نداشتند ، ازین رو همه روزه بر قوت منوی آنها افزوده و بقتضای وقت وزیر تراش می نمایند

ایست که عقیده دانشمندان ایران هم ایست که این ذوات محترم نباید امروزه در وزارت مستعمل شوند و از قوای منوی خود که جلب توجه عام و خاص خارجه و داخله است بکاهند -

امروز ما نمیتوانیم تقلید از آلمان و انگلیس و فرانس درین ماده نایم که بهترین رجال خود را بوزارت انتخاب می کنند ، چه آنها عراده امور مملکت خود را بر مجرای صحیح انداخته و هیچ محتاج بقوتی مافوق وزرا نمی باشند ، ولی ما شالوده از نو گذارده و طریق عرابه رو خودمان را صاف نموده لذا قوتی مافوق قوای وزرا را محتاجیم

ما راست هسته امروزه درین موضوع خاص تولید از برادران عنایان نموده که رجال بزرگ و مؤسس سعادت خویش را از مستعمل شدن بشغل وزارت محفوظ داشته اند

بعقیده ما هرگاه ایران این قوه نظامی و سیاسی خود را محفوظ دارد از جمیع خطرات متصوره محفوظ تواند ماند و در تغییر هر کابینه وزرا امید بهتری خواهد رفت نه بدتری و ملت و دولت هم هماره مطمئن القلب و قوی دل خواهند بود ، چه میدانند هیئتی وزیر تراش قابل ولایق و با سیاست و قوت دارند حظه بقتضای وقت و مناسبت مقام برای وزارت اشخاص کارآمد لایق پیش خواهند کرد ، و هرگاه ذواتی مانند ناصرالملک و سپیدار اعظم و سردار اسعد که باطنی آراء نخبه رجال ما هستند

در شغل وزارت خود را مستعمل نمودند در تبدلات کابینه که طیبی امروزه ایران است ناچار آنها هم شماره خواهند گرفت ، و در کابینه بعد از آن چگونه امید بهتری توان داد و حال آنکه بهتر از اینها سراغ نداریم و همین مسئله طبعاً سبب یأس عمده ملت گردیده مورث خرابیهای عظیم تواند شد -

پس ازین بیانات ما از حضرات اشرف سردار اسعد سپهدار اعظم و ناصرالملک خواهش می نمایم که در شغل وزارت خودشان را مستعمل نه نمایند و این قوه سیاسی و نظامی را در مملکت محفوظ دارند و همین قسم نیز از حضرت اشرف آقای عضدالملک نایب‌السلطنه و مجلس مقدس ملی بلکه فرد فرد ملت ایرانیه استدعا می نمایم که درین نکارشات بدیده دقت نگریسته این بزرگواران را از وزارت محفوظ داشته تا وقتیکه کارهای ملک و ملت بر بحرهای صحیح بگردد این قوه سیاسی و نظامی خدا داد را بر ایگان از دست نداده آنها را برای نخبه ملی و وزیر تراشی محفوظ دارند -

اگرچه تشکیل (درکتری) که حضرات اشرف سردار اسعد و سپهدار اعظم هم شامل در آن هستند تا درجه ما را ازین خوف و تزلزل رهاییده چون عده (درکتران) بسیار و بید نیست که این (درکتری) چنانچه حراشد انگلیسی مینویسند در آتیه قلب به مجلس (سنا) شود ناچار تجدید مطلع نموده میگوئیم ، که این قوه سیاسی و نظامی فعال را ولو هم غیر رسمی و موقتی باشد برای محافظت مجلس مقدس ملی و مجلس سنا و هیئت وزرا با سلوبی بسیار خوب و شکلی خیلی مرغوب باید قائم و بر قرار داشت و یقین است ارباب سیاست ایران هم تأیید از این خیال خواهند نمود -

انجمنیه ایران و فرانسه

(وقایع نکار ما از پاریس)

پوشیده نیست که مبنای پلنیک حالیه دول تحیب قلوب خارجه و جلب توجه عموم بر منافع و محنتات ملک خودشان و ترویج تجارت و صناعت ، و بدین واسطه استفاده کلی از این تمهیدات است و چنانکه سابقاً فقط به بستن عهد اتحاد و در سنوات اخیره که که بمسافرت و ملاقات سلاطین از یک دیگر و با دید و باز دید وزرای امور خارجه با هم و

اعضای پارلمنت ها استفاده در پیشرفت مقاصد بزرگ خودشان می کردند حال مدن است که بطریق جدیدی هم بر استحکام پلنیک خودشان که اهم وسیله آن تهیه اسباب ترویج تجارت بین الملل است شروع کرده اند ، و این طریق جدید که در سنوات اخیره به بهترین وجه مقاصد دول را میسر می نماید تشکیل انجمن های بین المللین است و آنها را انجمن اتحادیه با اسم دو ملتی که مقصود تکمیل مراودات آنها میباشد می نامند ، چنانکه در پاریس انجمن اتحادیه فرانسه و بلژیک از چندسال قبل و انجمن فرانسه و ژاپون و فرانسه و عثمانی در همین اواخر تشکیل شده است و انواع و اقسام خدمات مانیده مهجه به دولتین کرده و در تحیب دو ملت و ترویج تجارت آنها و مخصوصاً در معرفی آنان بیک دیگر از روی حقیقت و دفاع در بعضی مواقع از آنها و استحکام تمام مراودات بعمل می آورند ، در حقیقت یک اداره معتبر و مخصوصی است مرکب از اعظم و معتبرین دو مملکت از هر طبقه و مخصوصاً از صاحبان قلم و علم و از تجار و مردمان سیاسی و دفتر خانه مخصوصی دارد و متصل در پیشرفت مقصود خودشان یک دل و یک جبهه کار می کنند در همین اواخر که وکلای ملی عثمانی بیاریس آمده بودند منافع انجمن اتحادیه فرانسه و عثمانی بخوبی معلوم شد و همه دیدند که چقدر از مردمان بزرگ فرانسه دامن همت بکمر زده و در راه ترقی و آزادی به عثمانی ها کمک می کنند و حقیقت مکنونات عثمانی های جوان و ترقی خواه را بوسیله معارف و مطبوعات چنان توضیح کرده اند که چشم و گوش مردم که در حق آنها از اراجیف و حکایات عجیب و غریب بر شده بود بکلی باز شده و همه معترف بر استعداد و لیاقت و حسن اخلاق ملی آنها شده اند ، و چقدر باین وسیله بر اعتبار دولت و ملت آنها افزوده و آنها را محبوب اقلوب کرده و مقاصد ملی آنان را مقصود قلبی جمعی از ماریف و مردمان بزرگ سیاسی و عالم پلنیک نموده است ، در یکی از مهمانی های شام که انجمن اتحادیه فرانسه و عثمانی بوکلاهی عثمانی داد و جنابان وزیر امور خارجه فرانسه و صمد خان ممتاز السلطنه وزیر مختار ایران هم حضور داشته نطق ها در آن

مجلس عالی کردند درست اهمیت این اتحادیه بن‌المللتین محقق گردید و در هانجا جناب ممتاز السلطه بجناب وزیر امور خارجه اظهار داشت « انشاءالله عنقریب در مهانی انجمن اتحادیه فرانسه و ایران هم حضور هم رسانیده و به همس همراهی ها و محبت ها از وکلای ملی ایران هم پذیران خواهند فرمود »
 حساب معزی الیه که خیلی ایران دوست است با نهایت همدردی آرزوی صمیمی خود را در این باره بیان نمود بطوریکه در روزنامهجات فرانسه انتشار یافته است

روزی چند بر این نگذشت که جناب ممتاز السلطه بطریق خیلی بهتر به تشکیل انجمن اتحادیه فرانسه و ایران موفق گردید ، یقین است بواسطه همین انجمن خیلی منافع معنوی عاید طرفین خواهد شد . انشاءالله پذیرائی وکلای محترم مجلس ملی ایران را هم به بهترین وجه خواهیم دید

بالجمله چند روز قبل مراسم تأسیس اتحادیه ایران و فرانسه در سنارت سیه ایران بعمل آمد و آنچه در روزنامه (تان) درین موضوع نوشته برای درج در نامه مقدس فرستادم

ترجمه از روزنامه (تان)

(مورخه دوم ماه اوت فرانسه ۱۹۰۰)

(اتحادیه فرانسه و ایران)

دیروز در تحت ریاست مسیو دیولانوا (مجلس تأسیس اتحادیه فرانسه و ایران که متصودش تکمیل کایه روایی است که درمیان ایران و فرانسه موجود است تشکیل یافت

در این مجلس جمعی از دوستان ایران و ار علما و سیاحان حاضر بودند و اداره این انجمن به ترتیب ذیل مرتب گردید

صمد خان ممتاز السلطه (وزیر مختار ایران مقیم پاریس) رئیس محترم ، مسیو دیولانوا (از اعضای آکادمی فرانسه) رئیس - مسیو ژول روس (وکیل ملی فرانسه - وزیر تجارت سابق) و مسیو پول بویه (رئیس مکتب‌السنه شرقی) و مسیو رافائل ژورژلوی (معلم مکتب عالی سیاسی) و مسیو ژوفن (نایب کل اداره آسیای فرانسه) هر چهار نایب رئیس - مسیو لامپر منشی اول - مسیو باک دوسرانی منشی دوم

کوچه لندن است -

در جزو اسامی مشترکین فوری این اتحادیه اشخاص ذیل را دیدیم ، مسیو و شایل (رئیس قدیم اوطان مبعوثان فرانسه - رئیس کمیون امور خارجه فرانسه) مسیو لوروا بولیو (رئیس مکتب سیاسی فرانسه) مسیو مزیر (وکیل ملی فرانسه) مسیو ویکتور برار (رئیس روزنامه رو دیپلوماتیک) مسیو دکوری (آدکای نمره اول عدلیه فرانسه) مسیو داونسکل - مسیو سامبا - مسیو سیرنک - مسیو ریپر - (وکلای ملی فرانسه) مسیو برماز نویسنده - مسیو بواژ مدیر روزنامه (تان) وغیره

و در همین چند روزه تقریباً یکصد نفر از اعظم و مخصوصاً از وزرا و وکلا و ناظرهای فرانسه و تجار و تیره که تا حال هم مدت در امور راجه بایران زحمت کشیده و همراهی می کردند طالب شرکت شده و داخل انجمن اتحادیه فرانسه و ایران گردیده اند ، و تا اول زمستان مطمئن است اقلان اعصای انجمن بیک هزار نفر بالغ شود و در مهانی بزرگی که داده خواهد شد بطق های ندیده راجع بایران در آنجا کرده و شروع بکار خواهند نمود ، عنقریب صورت اسامی مشترکین و قرار نامه اتحادیه که خیلی محل تحسین دولت فرانسه شده است تقدیم خواهم نمود و این اول دفعه ایست که همچون اراده در حق ایران از خارجه شده و باین خوبی ار بیش رفته و خواهد رفت

از بیان این نکته هم ماچارم در دوایر رسمی در این موقع باریک خیلی متوجه ایران هستند و که وکیف امور آتیه ایران را منتظرند که از شکل انتخابات وکلای ملی بفهمند و از آن رو با ایران معامله بکنند ، انلب می گویند حالا باید فهمید که دولت ایران ملت ایران را ملتفت وظایف خودشان در مورد انتخابات خواهد کرد و قبل از وقت متوجه خواهد شد که چه قبیل اشخاص باید وکیل بشوند و عقاید وکلا را قبل از وقت خواهند دانست یا خیر ، چون ملاحظه این نکات خیلی اهمیت دارد و صحت مجلس ملی را اساس کار ها می دانند این

ترجمه لایحه است که مستنصر السلطنه

(رئیس انجمن وفاق ایرانیان در مصر)

(از طرف انجمن مذکور بهطبوعات)

(ملل متدنه نوشته است)

عالم مطبوعات که بیچارهانه تحقیق حقایق را بر خود وظیفه ذمه حیت کرده است همواره از اموری که بتأثیر اغراض خفیه در برده استتار میباید کشف ستار نموده با یک ندای جهان آشنا حقوق مہزومه افراد و اقوام را به پیشگاه محکمه رأی عام عرضه میدارد .

باین امنیت انجمن وفاق ایران در مصر در رد تهمت باطله و غرضکارانه که دولت روس محض برآه جوش دومداخله باامورات داخله ایران نسبت باحرار آن ملت منتشر میسازد بعالم مطبوعات متوسل میشود .

روسها میگویند که کینه مقاصد احرار ایران عداوت ملل خارجه است .

از مطبوعات عالم متدمن خواهشمندیم که حقیقت وقایع سه ساله ایران را به پیشگاه محکمه رأی عام عرضه دارد تا طلال این بہتان در آن محکمه عادلہ ظاہر گردد .

تمام کائنات میدانند که سه سال قبل بفتحات روح حریت ملت ایران با یک سلامت و سکونت بحیرالقول سلطنت مستبده را بحکومت مشروطه شورویہ مبدل نمود . و لکن اقدامات خفیه روسها آن مسلک مستقیم و منہاج سلیم را بیک انتشار و شورش عظیم تحویل نمود . کین مکش دو همسایه کبرئہ رفیب و وطن فروشی چند نفر خائن بی وطن که دور سریر یک پادشاه سوگند شکن را گرفته آن مملکت واژگون بخت را متجاوز از یک سال بہوتہ نلیان انداخت ، توپهای آنندار خون آشام بقتیله یک صاحب منصب روسی بیارلمان ایران آتش ریزی و گلوله پیزی کرد و خرمن حیات احرار پایتخت را بیاباد نارنجک و شرابیل داد ، جواهر سلطنت و نقایس تاریخی ملت حق مجملات گرانبهای کتابخانه دولت بتوسط چند نفر مشاور روس و مدافع روس مزاج در روسیہ بنجمن بخش فروخته شد ، شهر تبریز بعد از ده ماه مدافعه

برسانند بار انداز سالدات روس گردید ، عساکر روس بمحض ورود برج و باروی شهر تبریز را با خاک یکسان کرد ، اسلحه دقاییه را از دست مدافعن ملت ضبط نمود ، ریش سفیدان قوم و پیشقدمان ملت را تبعید و حبس کرد ، بساحد و مابد هتک حرمت و بہخدرات تطاول و جسارت ورزید ، درخراسان نارنجک توپ روس ریثه حیات جوانان ملت را از بیخ برانداخت و احترام آن بتمه مقدسه را سگام داشت ، در راه قم و قزوین فرستادگان انگلیس وروس سرراه مجاهدین و احرار را گرفته از هیچگونه وعده و وعید نروگذار نکردند . لکن آن شیرمردان و دل پرست از همت و حیت باز نشسته خر که دای سلطنت حائزه را که بسرکردگی صاحب منصبان روس حریت بقاومت میگردند لگد کوب نموده داخل طهران شدند ، در طهران چهما دیدند برغم قوانین بین الملل لباخوف روسی را دیدند که باوجود اینکه احیر و مواجب خور ایران بود بیرق روس بالای عمارت شخصی خود افراشته و از زیر آن بیرق بتزاقمهای ایرانی فرمان شلیک باحرار و ادالی پایتخت ایران میدهد ، بیرق انگلیس و روس را مشاهده نمودند که در سر در سارنخانه روس پناهگاه یک پادشاه منفور و مخلوع را که دراضمحلال ملک وملت خود از هیچ خنایی فروگذار نکرده بود حمایت میکنند ، طی ملت ایران تمام این حوادث تحمل فرسا را مشاهده نمود ، روسها را دید که آتش خاناندوری در مملکت ایران افروخته و دامن میزنند . انگلیسها را دید که درین فضاخ به روسها قوتالظہر میشوند ، اروپ و آمریکا را دید که بایک حمودیت لابلایه باین احوال وحشت استمال از دور تماشای میکنند ، باوجود این وقایع طائف فرسا که یکی از هزارش ملایترین اقوام دنیا را بجوش و خروش می آورد آیا کسی شنید که جان و مال یککفر رعیت خارجه در مرض خضر باشد ؟ سفرا و قونسولهای دول متدنه که در ایران هستند آیا ولو یکدفعه باشد شنبه ، و بدوات متبوعه خودشان خبر دادند احرار ایران در مہبان نوازی اتباع خارجه تفاقل یا تکاسل کدام باشند ؟ چرا خبر تراشان روس شهرتی دادند

بوسول انگلیس تیر خالی شده بدون اینکه باها آسیبی برسد. فصاح مسئله آرف و هارنیزک تمام عالم ثابت کرده است که پلید خنیه روس چه تیر های رهر آود در ترکش دارند. اگر فرسأ این دوخبر صحیح هم بوده باشد آیا نمیتوان آنرا به استیفاء ملت نسبت بدو دولتیکه علی رغم اظهارات رسمی خودشان نامورات داخله ایران مداحه میکنند عطف و حمل نمود.

دولت روس با چند نفر حائن وطن فروش که تا دیروز اطراف سریر سلطنت را گرفته و آن بادشاه سست عنصر را از طفولیت به اخلاق دون تربیت نموده بودند همدست شده مقصودی جز این نداشته و ندارد که اروپ و انگلیس و ایران هر سه را قریب بدهد و بهترین ولایات ایران را بشیوه و دسیه تصرف نماید. بی دولت روس بهیانه اینکه اتباع خارجه در ایران در معرض خطر هستند مداخه تسکری خود را در قالب حمایت رعایای خارجه قلمداد کرده دولتهای اروپا را انتقال میکنند، دولت انگلیس را هم بوعده ایسکه حدود عهدنامه اخیر خودشان را که پارلمان و ملت ایران پروتست کرده است تجاوز نخواهد نمود ریشخند مینماید. ملت ایران را نیز باطهار ایسکه عنقریب عساکر خود را از ولایات ایران عقب خواهد کشید گول میزند. ولی تاریخ عصر حاضر محوی نشان میدهد که اینگونه ماه و مواعید را چه اهمیت و اعتبار باید گذاشت.

ای احرار ملل متمدنه که بهیای خوں احدات سمب حریت رسیدید اید، آیا با سکوت و تقاض خودتان روسها را در اجرای این مقاصد متوحشانه مطلق الامان خواهید گذاشت، ای ملت نجیبه فراسه که مرین عالم و علمدار حرب هستی و با دولت انگلیس و روس عهد و پیمان اهای بستهش، آیا در این اقدامات ایران را مدار دوستهای خود ساکت خواهی نشب، ای ملل متمدنه ربیع مسکون، شکوای ملت ایران به پیشگاه محکمه رای عام شما عرضه میشود، حکم حیات و نجات یک مملکت بتوای آن محکمه مروت و انسانیت محول است، رای خود را اظهار و حکم خود را اعلام نماید!

بن الدول غافل نیست، باین سبب از شهاها نخواستن عسکری مطلبید و نه مساعدت مالی میخواهد بلکه چشم داشت ملت ایران فقط همان تراوتش تأثیرات مروت و انسانیت است و بس، نمانی ملت ایران جز این نیست که بواسطه شهاها اثرات عادلانه رای عام بکفته ترازوی انصاف و انسانیت گذاشته شود با جنس حنیش حریت پرورانه نه تنها سلم عمومی در اکتاف اروپ و آسیا مستقر خواهد شد، نه تنها قدر شناسی ملت نجیبه ایران که تاریخ مجد شش هزار ساله آن از مآثر قویمه و قدیمه دنیا بشمار است بطرف ملل متمدنه استجلاب خواهد شد، بلکه خود دولت روس را از ورطه یک خط بزرگی نجات داده ساحل سلامت و انسانیت دعوت خواهد نمود، زیرا دولت روس دیگر باید بفهمد که قرن بیستم قرن تظاول و چپاول نیست، باید حکومت اعلیحضرت نیکولای ثانی که اولین مؤسس کوفراس صلح است ملتقت بشود که دیگر عهد زور نمان و حشیانه منقرض شده است و انوار حریت و مساوات و اخوت بین الملل را من بعد دیگر هیچ قوه قاهره نمیتواند اطفاء نماید.

بی اگر چنانچه ملت ایران بشهوات منترسانه که اورا احاطه کرده اند ترك بشود بعد از آنکه در راه حفظ استقلال خود تا آخرین قطره خون مدافعه کرد شاید عاقبت الامر در زیر فشار جبارانه دولت روس زبون بشود، ولیکن محققاً بدانید که آن ملت نجیبه هیچوقت بدرجه مصحل نخواهد شد که از تاریخ مجد و شرف شش هزار ساله خود تفلت نماید و این فدا کاریها و جابازیهای دوره حالیه را فراموش کند، بلکه آتش حیت و تیرت که بنفحات شصت قرن فعالیت همواره زنده و فرو زنده است در زیر خاکستر خرابه های وطن مقدس افروخته خواهد ماند، قبی از آنکه دولت روس داخلیه خود را اصلاح و زخمهای خویش را التیام دهد و اکانهای آسیا بفرش و لرزش خواهند آمد، هم شهری یک وارشوی جدید هر ایالتی یک فزاند تازه خواهد بود بجزرد اینکه دولت روس را تهدیدی از غرب یا هجومی از شرق بروز نماید تمام اقوام آسیائی از قفقازیه تا ترکستان با یک آغای و اخوت که نتیجه

خواهندزد و مدار از روزگارش خواهند بر آورد .
 احرار انگلیس که دفا حکومت بریطانیای عظمی
 را در دست دارند و مطمح نعرشان پیش از مملکت
 گیری تأمین مصادر تجارتی است تجارب حوادث
 ماضیه بهتر فهمیده اند ، که از افاق ملل مستعبده
 چه خطرات عظیم برای دولت قاهره مترتب تواند بود
 دائره تمییدات پلتیکی انگلیس وسیع تر از آست
 مکه بمحصوله پیش بینی سیاسیون روس بکنجد .
 انگلیسها نیکو میدانند که روسها در ایران سرسبز
 نخواهند شد بلکه بای در گل خواهند ماند ، ولی روسها
 با آن خشونت و طمع و بی تجربگی که دارند ملتفت
 عواقب نبوده چشم بسته خود را بورطه مملک
 استعباد ملل می اندازند و حال آنکه عالم میدانند که
 (بوناپارت) با آن جربرزه ودهاء در چنین ورطه
 ضیق و نابود شد .

حالا احساسات سروت و مقتضیات انسانیت را
 هم بکنار گذاشته به بنیم مصلحت دولت فرانسه
 خصوصاً و صوالح دول متمدنه عموماً در این موقف
 چیست ؟ آیا لازم است که جنبشی بکنند یا اینکه
 دم فرو بسته ساکت وصامت باین جنایتیکه روسها
 در ایران مرتکب آن هستند از دور تماشا نمایند ؟
 از مداخله روس در ایران برای دولت و ملت
 فرانسه خصوصاً و تمام دولتهای متمدنه عموماً متعاب
 بلکه مصائب کلی مترتب تواند بود زیرا اولاً مداخلات
 روس در ایران روسها را بیک ضعف جدیدی
 مبتلا کرده زخمهای عسکری و مالی آنها را از نوباز
 خواهد نمود ، و عوض اینکه روسها در حین حاجت
 برای دولت فرانسه قوه الظهر بشوند لاینقطع بمعاونت
 مالی و معاضدت پلتیکی فرانسه محتاج شده این دوبار
 سنگین را بدوش ملت فرانسه خواهند انداخت ،
 ثانیاً این مداخلات روس در ایران مصالح مالکانه
 عثمانی و صوالح اقتصادی آلمان را که در آسپای صغری
 بیکدیگر مربوط هستند تهدید کرده توازن دولیه را
 معلول و خصومات تازه و رقابت بی اندازه تولید
 خواهد نمود و بلاشک پیش از آنکه (ماکدونیا و
 کریت) حل بشود بسبب مداخلات روس در
 ایران شراره یک جنگ عمومی از آسپای صغری
 بقورخانههای ممالک اروپ خواهد افتاد
 بعد از بیان این مقدمات از محکمه وای طاه

اتصاف میطلبیم مکه آیا رواست دولت روس
 بی پروا بچنین جنایت عدیمی اقدام کرده این سنگ
 شقاوت را در صنحات تاریخ قرن بیستم بتم خونین
 نبت نماید و ملل متمدنه با یک صوت جامدانه
 بجانبازیهای یک ملت ششهمزار ساله که تازه یا بدائره
 تمدن عصری و ترقی و حریت گذاشته است بیدیه
 بی مبالائی نگریده ملت ایران را از روابط اخوت
 بشریه مأیوس و ار علاقات حمیت اسبانیه نا امید
 کرده بحال خود وا گذارند تا بقوت احساسات ملیه
 و بتدرت عوامل محبت وطنیه خود چنانچه یک مستبد
 شدار را از اوج سریر سلطنت بمحضض منغای مذات
 انداخت این مهانهای قلیل ناخوانده را نیز از حریم
 مقدس وطن براند و حیات ملیه و استقلال قومیه
 خویش را بهمت و شجاعت شیر مردان خود تأمین
 نماید ؟ رئیس انجمن وفاق ایرانیان در مصر
 مستصرالسلطه فرج الله الحسینی

حقیقت گوش یا اصابع بی غرضانه

- (ریخته قلم حضرت مستطاب عالم الاعلام)
- (عوث الانام ثقه الاسلام والسلمین ابوالاحرار)
- (آقای حاجی آقای مجتهد شیرازی)
- (رکن هیئت علمیه نجف اشرف)
- (مدطه العالی علی رؤس المسلمین)

قال الله تعالی کتم خیر امه اخرجت للناس
 تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

فضیلت و افضیلت و سیادت و شرافت این امت
 در بین سایر امم فقط بالمعروف و نهی از منکر
 است . علامت کمال نفس بشری دلسوزی در حق
 ابناء نوع خویش است و نشانه بلندی همت بدل جبرد
 و راه نمائی بیکانه و خویش ، رکن رکن اسلام همانا
 راه از جاه نمودن و طریق نجات نشان دادن است
 اما افسوس که نه آن که انی که صاحب ذند
 عمل بوحیفه خود میکنند نه مردم گوش نصایح
 بیغرضانه صاحبان درد میدهند ، نمیدانم چگونه نفلت
 وجهالت برده بروی چشمها کشیده که هرچه اندرز
 کنند و آنچه بند گویند همه را ازین گوش شنیده
 و از گوش دیگر بیرون نموده و خود را بدست
 خود در آتش و بیای خود در جاه سفاقت
 میاندازند و هیچ ملتفت حال خود و برادران خود
 نیستند ، وقتی با انسان نشسته اند گوش محرف میدهند

چنان اطهار همراهی و همدردی میکنند که اسان را
 هراران بر تو امید در قلب بتابش می‌آید و یقین
 بعادت و خوشبختی هرچه امت سخن شنو میکنند.
 ولی بمجرد خروج از مجلس از همان ملک مملکت
 ویران کن و همان طریقه دین برآمده ده خود را
 پیروی میکنند

- (پیش تو از نور موافق تر اند)
- (وز پس از سایه منافق تر اند)
- (کرم ولی از حکر افسرده تر)
- (رده ولی از دل خود مرده تر)

آخر ای برادران شیرازیان ، ای کسایکه شش
 سال است بیول گرف و آب عرض این و آن
 شدن عادت کرد. اید و چن کاری قبیح که عقلای
 عالم را از شنیدن آن اشمزاز حاصل و بدم ای
 از ناب دیاب از گوش دادن بتزیاتش برزوه می‌آید
 چنان درمیانه شما رواج شده که ترکش - هل است
 ادا قبحش را هم تصدیق میکنید با که نتایج این
 حنه از این حرکات وحشیانه خود که افریقان را
 از شنیدنش عار است متوقفید و بیداید

- (ابدی را که تخم حنظل کاشت)
- (صبح بشکر نه باید داشت)

قل هل ابکم بالآخرین اعمالا الدین ضل
 سعیم و الحیوة الدنیا و هم یحبون انهم یحسنون
 صفا)

آخر شما را بخدا قدری فکر کنید به بید
 این حرکات وحشیانه شما تا کجا شما را بویران و فنا
 میکشاند و بد بختانه تا چه اندازه بدین و دیای شما
 ضرر میرساند ، ای که ایکه خود را آلت اعراض
 طالب و ملت فروشان کرده‌اید و شباه روز مانند
 برانم هرهای حکر گداز میکشید و یکدیگر را سب
 و لعن میکنید و مانند حیوانات مدار تشنه خون
 یکدیگر هستید . آیا قبیله شما دو تا است . آیا
 قرآن شما دو تا است ، آیا پیغمبر شما دو تا است .
 آیا خدای شما دو تا است ، آیا ماهم برادر هستید ،
 هل یک ملت هستید بن من میگویم دین شما دمایر
 شده است و دهمه دمایر دو تا است . شما هم
 دو ملت پیدا کرده اید ، اسوس که میداید دست
 منتقم حقین چگونه بسزای دلای لرزان شما را
 فشار خواهد داد و آن اطفال معصوم و زنان بی‌سناه

چگونه افق زندگان شما را سیاه خواهد نمود ، آخر
 ای مسلمانان بی‌تصعب بعد از چهار سال که بزورگان
 اسلام زحمتهای بی اندازه برای شما کشیدند و رنجها
 بردند جوانان شیور ایران جاها نثار کردند تجار
 با حیت از بذل نفس و نفیس خود داری نکردند
 و بالاخره ملیونها اموال تلف شد و هزارها نفس
 زکیه وداع زندگان گفتند سختها کشیدند تلخیم .
 چشیدند محصور شدند از گرسنگی و تشنگی جان
 دادند اطفال بی‌بدر و نسوان بی‌شومر شدید خونهای
 خود را در راه نجات برادران و استقلال مملکت
 ایران و حراست دین شیدیان ریختند تا بسیاری
 امام عصر عجل الله فرجه بمطلوب رسیدند و ریشه
 کهن ظلم را از بیخ امکنند و رفتند که شروع
 بمرمت و تعمیر مملکت کنند و جراحت سه ساله را
 مرهم گذارند و خسارات وارده را جبران کنند .
 شما شیرازیان که بجز طریق نفاق راهی نرفتید و
 بجز سب و لعن و شتم و طس چیزی نگفتید به حال
 آنها را حمایت کردید . به بجان و بقلب صرشتار
 خواستید . نه بزمان - هل است اسباب بدبختی هم
 بر ایشان فراهم آوردید و هراران خار در راه
 اجرای مقاصد حنه آنها رویانیدید . تف بر حیت
 و اسلامیت شما آخر نمینید شباه روز چه قدر
 مردم بیچاره از حرکات شما لرزانند ، چه قدر نفوس
 تلب و اعراض مهتوک و اموال منسوب میشود .
 بالاخره نتیجه دوام این انقلاب روح دادن بنالمان
 دیگر است و از سر گرفتن خونریزیهای بیشتر ،
 ای مجتهدین و متحصن در شاه جراع و مسجدنوع ،
 ای بناعندگان تلگرافخانه . بوجود عالم قسم بنای این
 انقلاب اسباب برپادی مملکت است و این رو سیاهی
 برای فارسینان خواهد ماند شما سه آلت اعراض
 نصر الدوله و صولة الدوله شده اید چه قدر مالیدم
 چه قدر بشما گفتم - چه قدر بهر یک هر یک شما
 تصرع کردم . شرح مضار این حرکات را دادم و
 تاروپود مقاصد این اغراض را برای هر یک از هم
 گشودم . آخر نشنیدید و نخواهید شنود ای جماعت
 ریش - نیدان اصناف .

ای سرکردگان جوانان محلات ، ای از همه جای
 عالم یخبران ، واقعه بحقیقت ولایت مطلقه قسم پول
 نصر الدوله و صولة الدوله شما را محاربه نخواهد ساخت

و بر رقب هلاکت خواهد کشاید ، جناب نصرالدوله ، ای اژلت روس ، رحمی بحال خانواده خود کن ، از اهل بلد گذشتیم ، از مملکت گذشتیم . از دیانت گذشتیم ، بنامیل خود رحم کن ، بجوانی خود رحم کن ، بزنده گانی خود رحم کن ، قدری از سلف عبرت بگیر . عاقبت و سر انجام حال خود غرضان را در تواریخ بخوان و به بن دست قهرآلیمی چگونه از آنها انتقام کشید ، بس است ، این قدر مردم بچاره جاهل را مانند بوزیه نرقصان و این همه بول بجا خرج مکن ، خدا گواه است من غرضی ندارم و دشمنی با احدی نمیکنم حرف حق میگویم و راه حق می‌بویم ، وجدان خود را حکم کن به بن چگونه خود را و خانی را در عذاب افکنده ، آیا این آتش بست که در او میسوزی ، آیا این کرداب بست که در او غرق ، هان خود را و ابای که فریاد فرشتگان عصب بلند است که دست از آستن بر آر ای انتقام الهی

جناب صولةالدوله سده خودم از او اس اشخاص بودم که از نجب اشرف شمارا بجهایب احرار دعوت میکردم و فرامی آیت الله بجهت من اس که رایت فرستادیم آنچه می کردم آنچه تصریح نمودم آصف الدوله ایران فروش فروشنده دختران قوجان جلو گیری از تو کرد و هیچ حرکت نکردی و هر چه تلاش کردم اسباب شرفی برای شیرازیان فراهم کی شد . حال اگر مشروطه خواهی ، اگر نوع پرستی . اگر ملت دوستی ، اگر مطیع امر حجج اسلامی ، اگر امنیت طلبی . بحکم قوای محکمه دار الشورای کبری امر حکومت بلاد بدست و بر مشول است و ویرداخته امروز رده کننده ایران و او اس شخص بیغرض است ، هر چه فرموده باید عمل شود اگر خلای دیده شود خودش مشول است ، قصاص قبل الجایه خلاف تمام قوای دیا است بنام خدا این فتنه را خاموش کن و طریق مخالفت بمجهال مملکت منما . خدا میداند همان حجج اسلام که هواره شما را محرك بمطایبه حقوق بودید امروز سکون و سکوت مملکت را اولن تکلیف واجب مسلمین و اطاعت احکام دولت را اولن درجه لازم میداسد ، ایگن تصدیق نمیکنی آن بنده تلگرافی مینویسم

از اول و حله با اهل تلگرافخانه گتم ولی افسوس که رأی رأی رحاله بود و تخریه گردان ها که طالب پول بودند نه خوشنای تو کار را بدست خود گرفتند اکنون بهلای اعلام عرض میکنم ای بزرگان دین ای حامیان شریعت ای حصون اسلام حال که نه عوام و نه خواص نه اعیان نه کسبه حرف حق نمی شنوند و تشنه برین خود میرند . تکلیف ما ایست که بالاجماع از این شهر خراب خارج شویم و گوهر خویش پیش خریداران دیگر بریم ، اگر شما هم عرض بدارید اگر دامس تان بکناف طرفن ملوث بسب اگر ملاحظه این و آن را میکنید برخیزید تا همه از شهر برویم . اگر هادی خواستند اگر رئیس خواستند اگر نماینده احکام شرع خواستند بیایند دست از این حرکات وحشیانه بردارند و عبادالله را راحت بگذارند و مارا مطمئن کنند که ما خلاق اسلامی عمل کنیم و از آنچه فرموده خداست تخلف ننمایند و پیروی هر دزدی که بلباس اهل علم است نکنند . شما هم برگردید و توبه آنها را به پذیرید و گرنه بحال خودشان واگذارید چنانچه خدا آنها را بحال خود وا گذاشته تا بجاك سیاه نشینند و سزای اعمال خود را به بیند و بداسد

- (هر که آتش ظلم پیش نهاد)
- (بند بردست و پای خویش نهاد)
- (چند روزی اگر سرافرارد)
- (رهش آخر ربا در اندازد)

﴿ دستخط مبارك حضرات آیات الله ﴾

(خراسانی و مازندران مدظلالهم)

(از محب باصهان)

(۱۴ ح ۲)

(بسم الله الرحمن الرحيم)

خدمت آقایان عظام سرکاران حجة الاسلام نفة الاسلام آقایان علماء اعلام و امراء و خواص عظام مختیاری و انجمن ایالتی و عموم تجار و ایدان و قاطبه ملت دامت تائیداتهم ، اگرچه تلگراف را که وعده فرموده بودید از (جز) محابره فرمائید نرسیده و معلوم شد بواسطه تویق در حرکت بقم محابره فرموده اید و یا آه ، بواسطه خیانت تلگرافخانه